فصلنامه علمی ـ تخصصی ویژه مبلغان
مناطق مشترک زمستان ۱۴۰۰ ـ شماره هشتم

جایگاه و خدمات شهید سلیمانی از نگاه اهل سنت

حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی غرسبان روزبهانی*

مقدمه

شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی، خروش ملت انقلابی ملت ایران و تمام آزادگـان جهان را برانگیخت و تشییع جنازه باشکوه ایشان و همرزمان شهیدش، جایگاه رفیـع ایشان در نزد ملت ایران و مردم مسلمان جهان را به نمایش گذاشت. این جایگاه، به طور قطع ناشی از خدماتی است که سیدالشهدای مقاومت از خود ارائـه داده اسـت. مراسم تشییع جنازه شهید سلیمانی، نشان از جایگاه رفیع این شهید عزیز در نزد ملت ایران اعم از قومیت‌ها و مذاهب مختلف و جامعـه اهـل سـنت اسـت. ایـن نوشـتار می‌کوشد جایگاه و خدمات شهید سلیمانی را از دیدگاه اهل سنت بررسی کند.

ویژگی‌ها و جایگاه شهید سلیمانی

علمای اهل سنت در بیانات خود بـه برخـی از ویژگی‌هـای شـهید سـلیمانی اشـاره داشته‌اند که در اینجا به مواردی اشاره می‌شود:

۱. اخلاص

بر اساس آیات قرآن و روایات، اخلاص فضـیلت اخلاقـی ارزش‌منـدی انسـان نـزد خداوند است. برای نمونه قرآن می‌فرماید: «**إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ**؛[1] ما [این] کتاب را به حق به سوی تو فرود آوردیم. پس خدا را در حالی که اعتقاد [خود] را برای او خالص‌کننده‌ای عبادت کن».

---

* دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مدرسی انقلاب اسلامی.

۱. زمر: ۲.

در روایات نیز بر اهمیت اخلاص اشاره شده است. رسول گرامی اسلام ﷺ در خصوص اهمیت اخلاص می‌فرماید: «**مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً إِلَّا جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ؛**[1] هر کس که چهل شبانه روز خود را برای خدا خالص کند، سرچشمه‌های حکمت از قلبش جوشیده، بر زبانش جاری می‌شود». امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز در این باره می‌فرماید: «**غَايَةُ الْإِخْلَاصِ الْخَلَاصُ؛**[2] غایت اخلاص، رهایی است». آن حضرت همچنین در روایت دیگری می‌فرماید: «**لَوْ خَلَصَتِ النِّيَّاتُ لَزَكَتِ الْأَعْمَالُ؛**[3] اگر نیّت‌ها خالص شود، اعمال پاکیزه گردد».

یکی از ویژگی‌های این شهید بزرگوار اخلاص بوده است. رحیم آخوند صمدی امام جمعه اهل سنت شهرستان رازو جرگلان می‌گوید: «اخلاص کم نظیر و مجاهدت‌های شجاعانه در جبهه‌های حق علیه باطل برای دفاع از کیان این مرز و بوم و امنیت مردم نیاز به توصیف ندارد، زیرا شهید سلیمانی به هیچ عنوان به دنبال شهرت و آوازه نبود».[4] هم‌چنین ماموستا عبدالرحمان مرادی امام جمعه اهل سنت کرمانشاه ضمن گرامیداشت یاد و خاطره سردار شهید حاج قاسم سلیمانی اظهار داشت: «شخصیت این شهید بزرگوار نه تنها در ایران بلکه در عالم اسلام از جایگاه خاصی برخوردار بود و همان‌طور که رهبر معظم انقلاب دام‌ظله فرمودند راز محبوبیت ایشان به اخلاص، بزرگواری و نیت پاک این شهید برمی‌گردد».[5]

۲. مبارزه با باطل و تقویت جبهه مقاومت

همواره میان جبهه حق و باطل نبرد وجود دارد و به فرموده امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه این نبرد با پیروزی اهل حق پایان می‌یابد. ایشان در روایتی می‌فرمایند: «**أَبَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا إِتْمَاماً وَ لِلْبَاطِلِ إِلَّا زُهُوقاً؛**[6] خداوند مقدّر فرموده است که حقّ به مرحله نهایی و کمال خود برسد و باطل از بین برود».

قرآن در جنگ حق و باطل می‌گوید: این نمود باطل شما را نترساند، این فراگیری

---

۱. محمد بن علی ابن بابویه، *عیون أخبار الرضا* علیه‌السلام، ج۲، ص ۶۹

۲. علی بن محمد لیثی واسطی، *عیون الحکم و المواعظ*، ص ۳۴۸.

۳. همان، ص ۴۱۵.

4. https://www.irna.ir/news/83673115

5. https://www.isna.ir/news/99100805896

۶. احمد بن علی طبرسی، *احتجاج علی أهل اللجاج*، ج۲، ص۴۶۹ .

باطل شما را مایوس نکند، زیرا سرانجام حق پیروز است، حق همیشه پیروز بوده است: «**وَعَدَ اللَّهُ الَّذينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...**؛[1] خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد».

در نبرد حق علیه باطل، افرادی شهره عام و خاص می‌شوند و نامشان همواره بر سر زبان‌هاست که مبارز اصلی میدان باشند. سردار سلیمانی نیز مبارز اصلی این میدان بود. ماموستا عبدالسلام محمدی امام جمعه شهر حسین‌آباد، با تسلیت شهادت سردار سلیمانی، اظهار کرد: «سردار سرلشکر حاج قاسم سلیمانی از سربازان مخلص ولایت و انقلاب بود که سال‌ها در جبهه حق علیه باطل نبرد کرد».[2]

شهادت سردار سلیمانی باعث تقویت جبهه مقاومت شد. ماموستا دکتر یدالله محمدی امام جمعه سابق شهرهای قروه و دهگلان اذعان داشت: «دیروز سردار سلیمانی قهرمان یک نفر بود؛ اما امروز همه ملت رشید ایران و جبهه مقاومت بعد از شهادت این فرزند اسلام و قرآن، قاسم سلیمانی شده‌اند».[3]

ماموستا فایق رستمی امام جمعه سنندج نیز اذعان داشت: «خون سردار سلیمانی درخت مقاومت را تنومندتر می‌کند و شهادت این سردار شهید هرچند موجب ناراحتی و غم بزرگی در جهان اسلام و بین مستضعفین دنیا شد، اما دشمنان بدانند که ریخته‌شدن خون این سردار بزرگ اسلام نه تنها این حرکت جهادی برای نابودی آنان را متوقف نمی‌کند بلکه با قدرت بیشتری جلوتر خواهیم رفت».[4]

۳. محبوبیت اجتماعی نزد اهل سنت

شهید حاج قاسم سلیمانی، محبوب دل‌های همه ملت ایران بود و جامعه اهل سنت نیز از این امر مستثنی نیست. محبوبیت ایشان نزد اهل تسنن ایران بر کسی پوشیده نیست. ماموستا عبدالرحمان مرادی امام جمعه اهل سنت کرمانشاه با توجه به مقبولیت و محبوبیت شهید سلیمانی در بین اهل تسنن می‌گوید: «زحمات ایشان در راستای اعتلای اسلام و اسلام ناب و هم‌چنین دفاع از حقیقت اسلام و مبارزه با

---

۱. نور: ۵۵.

2. https://www.farsnews.ir/kordestan/news/13981014000433

۳. همان.

4. https://www.farsnews.ir/kordestan/news/13981013001521

گروه‌های تکفیری و افراطی داعش که خود را منسوب به اسلام می‌دانند، محبوبیت این مرد بزرگ را در بین اهل تسنن رقم زد».[1]

ماموستا عبدالرحمان مرادی امام جمعه اهل سنت کرمانشاه نیز در این خصوص گفت: «مجاهدت‌های سردار سلیمانی در مناطق آلوده به داعش برای اهل سنت از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است و سبب محبوبیت بیش از پیش ایشان نزد اهل سنت شده است».[2]

۴. تلاش برای ایجاد همبستگی جهان اسلام

اسلام با نگرش به اصل وحدت و اتحاد از دیدگاه سیاسی-اجتماعی بر اهمیت آن میان انسان‌ها، مسلمانان و ادیان الهی تأکید کرده است. قرآن با هدف یک‌پارچگی، مؤمنان را برادران یک‌دیگر خوانده است: «**إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...**؛[3] مؤمنان برادر یک‌دیگرند...». هم‌چنین در آیات بسیاری به وحدت امت اسلامی توصیه شده است؛ از جمله در سوره آل عمران می‌فرماید: «**وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَميعاً وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً**؛[4] و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت] چنگ زنید و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگِ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یک‌دیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد. و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید». علامه طباطبائی رحمه‌الله در ذیل تفسیر این آیه چنین اظهار داشته است:

> شاید وجه اینکه «اعتصام به حبل‌الله و متفرق نشدن» نعمت خدا خوانده شده، اشاره به این معنا باشد که اگر شما را به اعتصام و عدم تفرقه می‌خوانیم، بی‌دلیل نیست. دلیل اینکه شما را به آن دعوت کرده‌ایم همین است که به چشم خود ثمرات اتحاد و اجتماع، تلخی عداوت و حلاوت محبت و الفت و برادری را چشیدید و در اثر تفرقه در لبه پرتگاه آتش رفتید و در اثر اتحاد و الفت از آتش نجات یافتید.[5]

قرآن کریم فارغ از معنای وحدت شیعه و سنی، به طور کل اختلاف را یکی از

---

1. https://www.isna.ir/news/99100805896

۲. همان.

۳. حجرات: ۱۰.

٤. آل عمران: ۱۰۳.

٥. سید محمدحسین طباطبائی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۳، ص ۵۷۴.

بدترین عذاب‌ها می‌داند و می‌فرماید: «**وَ لا تَكُونُوا كَالَّذينَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْبَيِّناتُ وَ أُولئِكَ لَهُمْ عَذابٌ عَظيمٌ**؛[1] و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن هم) پس از آن‌که نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آن‌ها عذاب عظیمی دارند».

هم‌چنین پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام در روایات متعددی بر مسئله وحدت تأکید داشته‌اند که از باب نمونه به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

پیامبر اعظم ﷺ فرمود: «**وَ الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفُرْقَةُ عَذَابٌ**؛[2] وحدت مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است». هم‌چنین حضرت فرمود: «**يَدُاللَّهِ عَلَي الجَماعَةِ و الشَّيطانُ مَعَ مَن خالَفَ الجَماعَةَ يَرْكُضُ**؛[3] دست خدا بر سر جماعت است و شیطان با کسی همراه است که با جماعت ناسازگاری کند». امام علی علیه‌السلام در این خصوص می‌فرماید: «**وَ عَلَيْكُمْ بِالتَّوَاصُلِ وَ التَّبَاذُلِ وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّدَابُرَ وَ التَّقَاطُعَ**؛[4] بر شما باد به ارتباط و بخشش به یک‌دیگر و دوری گزیدن از جدایی و پشت کردن به یک‌دیگر».

امروزه در شرایطی که دشمنان اسلام تمام تلاش خویش را برای مبارزه و مقابله با اسلام به کار بسته اند، وحدت اسلامی بسیار ضروری تر از گذشته به نظر می‌رسد و پرداختن به اختلاف و مسائل تفرقه انگیز نتیجه ای جز به هدر رفتن سرمایه‌ها و استفاده دشمن از این اختلاف‌ها، نخواهد داشت. ضرورت «وحدت اسلامی» را از وجوه مختلف می‌توان اثبات کرد.

جهان اسلام امروزه بیش از همیشه به همگرایی مذاهب خود نیاز دارد و شهید عزیز حاج قاسم سلیمانی در این راه تلاش وافری داشتند. ماموستا عبدالرحمان مرادی امام جمعه اهل سنت کرمانشاه، وحدت امت اسلام را مهم‌ترین هدف شهید سلیمانی دانست و گفت: «همه این رشادت‌ها به ایثار، اخلاص و تفکر عظیم و هم‌چنین وحدت گرایی حاج قاسم سلیمانی بر می‌گردد. ایشان همواره این دغدغه را داشتند که امت اسلامی همه با هم متحد باشند تا کسانی که قصد ضربه زدن را دارند بشناسند و با آن‌ها مقابله کنند و به آن‌ها مجال نفوذ در منطقه را ندهند».[5]

---

۱. آل عمران: ۱۰۵.

۲. حسین بن محمد بن حسن حلوانی، نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص۲۷.

۳. محمد باقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج۷۴، ص۱۵۸.

٤. محمد بن حسین شریف الرضی، *نهج البلاغه*، ص۴۲۱.

5. https://www.isna.ir/news/99100805896

آخوند عبدالحی میرزاعلی، امام جمعه اهل سنت آق‌قلا با بیان اینکه شـهید سـلیمانی نماد وحدت شیعه و سنی است، اظهار داشت: «شهید سلیمانی نه فقط از مردم شـیعه بلکه از برادران اهل تسنن و حتی از کسانی که از ادیان دیگر بودند، دفاع کرد که این نشأت گرفته از نگاه تقریبی وی بود که سبب وحدت امت اسلامی شد».[1]

آخوند عبدالحی میرزاعلی، امام جمعه اهل سنت آق‌قلا گفت: «سیره پیامبر اکـرمﷺ و آموزه‌های دین مبین اسلام نیز بر اصل برادری تأکید دارد و حـاج قاسـم سـلیمانی بهترین نمونه از کسانی است که از این سیره الگوبرداری کرده و آن را در همه جهات زندگی خود عملی کرد».[2]

آخوند عبدالجلیل فرهمند یکی از کارشناسان علوم دینی اهل سنت نیـز دربـاره ایـن شهید بزرگوار می‌گوید: «شهید سلیمانی مدافع اسلام و سرزمین اسلامی بود و هم در زمـان حیـات و هـم شـهادت، سـبب وحـدت و اتحـاد ملـی در مقابـل اسـتکبار و صهیونیست است».[3]

مهم‌ترین برکت شهادت شهید سلیمانی، این بود که باعث وحـدت دوبـاره اسـلام و مسلمین شد. رحیم آخوند صمدی امام جمعه اهل سـنت شهرسـتان رازو جـرگلان، ضمن محکومیت اقدامات ضدبشری آمریکای جنایت‌کار به خصوص در ترور شهید سلیمانی گفت: «شهادت سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی و شهیدان جبهه مقاومـت برخلاف خواست دشمنان اسلام، موجب وحـدت و انسـجام مسـلمانان و مظلومـان جهان شده و می‌شود؛ به گونه ای که شهادت وی میلیون‌ها مسلمان را در مـاتم فـرو برد و از وی نمادی بین‌المللی در دفاع از حقوق مظلومان جهان ساخت». وی با بیان اینکه دشمنان از ابتدای انقلاب اسلامی با ملت ایران اسلامی در جنگ بودند، افـزود: «آمریکای جنایت‌کار و منافقین در طول تاریخ انقلاب همیشه با ترور افـراد شـاخص مردمی درصدد ایجاد شکاف و ضربه زدن به پیکره نظام و انقلاب بودند، ولـی نمـی دانند شهادت مجاهدان بی ادعایی نظیر شهید سلیمانی، نه تنها آسیبی به نظام اسلامی نمی زند، بلکه موجب وحدت فزاینده مظلومان و مسلمانان جهان خواهد شد».[4]

---

1. https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/10/09/2420892

۲. همان.

۳. همان.

4. https://www.irna.ir/news/83673115

ماموستا فایق رستمی امام جمعه سنندج نیز امنیت و آسایش امروز کشور را مرهون خون پاک شهیدان دانست و گفت: «خون شهید سردار قاسم سلیمانی و همراهانش موجب تقویت وحدت در جهان اسلام خواهد شد و با تکیه بر این سرمایه بزرگ پاسخ سختی به دشمنان اسلام خواهیم داد».[1]

ماموستا سیدمحسن حسینی امام جمعه موقت سنندج هم در این مورد چنین گفته است: «بدون شک با شهادت سرلشکر سلیمانی تزلزلی در صفوف مسلمانان ایجاد نخواهد شد و ما را متحدتر می‌کند».[2]

در اینجا به برخی از خدمات این شهید بزرگوار، سردار دلها پرداخته می‌شود:

خدمات شهید سلیمانی

همان‌گونه که در جایگاه شهید سلیمانی در بین اهل تسنن اشاره شد، این جایگاه، به خاطر خدماتی بوده که این شهید در طول مدت مسئولیت خود ارائه داده که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. کوتاه کردن دست تروریسم‌ها از منطقه

ماموستا عبدالرحمان مرادی امام جمعه اهل سنت کرمانشاه در خصوص نقش این شهید در مقابله با گروه‌های تکفیری چنین می‌گوید: «در سایه اسلام و برکات انقلاب اسلامی حرکت‌های بسیار خوبی در مقابله با تکفیری‌ها در منطقه توسط برادرانی که خود اهل سنت نیستند، همانند حاج‌قاسم‌سلیمانی، انجام شد و با از خودگذشتگی و رشادت هایی که داشتند این مهم را به اثبات رساندند و دست خائنین را از منطقه و کشور کوتاه کردند». وی هم‌چنین به مبارزه این شهید عزیز با گروه‌های تروریستی اشاره کرده، می‌گوید: «جامعه اسلامی هرگز رشادت‌ها وجان‌فشانی‌های سردار سلیمانی در مبارزه و شکست داعش و دیگر گروهک‌های تروریستی در منطقه را از یاد نخواهد برد».[3]

۲. نابودی داعش

مهم‌ترین خدمت شهید سلیمانی از دیدگاه اهل سنت، نابودی داعش بوده است و این

1. https://www.farsnews.ir/kordestan/news/13981013001521
2. https://www.farsnews.ir/kordestan/news/13981014000433
3. https://www.isna.ir/news/99100805896

خدمت را نه تنها برای ایران بلکه به همه جهان اسلام می‌دانند.یکی از علمای اهل سنت کردستان می‌گوید: «شهید قاسم سلیمانی نه تنها متعلق به ملت ایران، بلکه متعلق به کل جهان اسلام است؛ چرا که ایشان با از بین بردن و نابودی داعش خدمت بزرگی به اهل سنت در عراق و سوریه کرد».[1]

ماموستا محمدامین راستی امام جمعه موقت سنندج نیز اذعان داشت: «حاج قاسم متعلق به جهان اسلام است؛ چرا که این شهید بزرگوار با نابودی داعش خدمت بزرگی به اهل سنت در عراق و سوریه کرد».[2]

ماموستا عبدالسلام محمدی امام جمعه شهر حسین‌آباد نیز در این خصوص تصریح کرد: «این سردار شهید از سرداران جبهه مقاومت بود که در شکست داعش و گروه‌های تکفیری نقش کلیدی داشت.»[3]

«نوری المالکی» که مسئولیت نخست وزیری و فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق را برعهده داشت می‌گوید:

> زمانی که داعش به عراق یورش برد اگر حاج قاسم سلیمانی و مسأله انتقال تسلیحات از سوی ایران به عراق نبود ما با مشکلات و تنگناهای فراوانی مواجه می‌شدیم. بله، درست است که ما در آن زمان سلاح خریداری کردیم اما کشورهای جهان در زمانی که لازم بود به ما سلاح ندادند. با این حال، حاج قاسم سلیمانی به دلیل نقشی که در عراق داشت و هم حضور دائمی‌اش در این کشور، به ما کمک زیادی کرد .[4]

۳. ایجاد امنیت پایدار در کشور و منطقه

ماموستا سیدمحسن حسینی امام جمعه موقت سنندج به خدمات سپاه قدس در ایجاد امنیت اشاره کرده با انتقاد از خوش‌خیالی برخی‌ها در خصوص نقش‌آفرینی نکردن نیروهای سپاه اسلام در کشورهای منطقه چنین می‌گوید: «این افراد نادان و خوش خیال باید بدانند که آمریکا و جبهه استکبار بلایایی را که علیه ملت سوریه و عراق آوردند، اگر نیروهای برون‌مرزی سپاه قدس نبودند الان باید منتظر ناامنی در

1. https://www.farsnews.ir/kordestan/news/13981014000433

۲. همان.

۳. همان.

4. https://www.isna.ir/news/99100805896

کشورمان بودیم».[1]

رئیس جمهور سوریه «اسد» در پیام تسلیت خود صراحتاً عنوان کرد:

مردم سوریه هیچگاه یاد شهید سلیمانی و خدمات او در زمینه دفاع از سوریه و مبارزه با تروریسم را فراموش نخواهند کرد. رئیس جمهور سوریه عنوان کرد که حاج قاسم سلیمانی در پیروزی‌های متعدد علیه تروریسم تکفیری در این کشور نقش آفرینی داشته است. به هر حال به دلیل همین نقش آفرینی‌های گسترده در جبهه‌های مختلف مقاومت منطقه بوده است که از شهید سلیمانی تحت عنوان «سید الشهدا مقاومت» یاد می‌شود.[2]

«زیاد النخاله» دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین تصریح می‌کند:

قدرت و امکاناتی که امروز غزه به آن دست یافته است، نتیجه تلاش‌های بزرگ شهید سلیمانی است. گام راهبردی سردار سلیمانی با ارسال موشک‌ها و اسلحه‌ها به نوارغزه آغاز شد و این مسأله شبیه یک معجزه بود و از نظر فنی و امنیتی و امکان‌پذیر بودن بسیار سخت بود اما در نهایت چنین کاری انجام شد.[3]

ماموستا عزیز امیری امام جمعه بلبان‌آباد نیز در این خصوص گفت:

سردار سرلشکر پاسدار حاج قاسم سلیمانی که سراسر عمر را وقف مجاهدت، حراست و پاسداری از امنیت اسلام کرده بود، امروز شهادتش برای جهان اسلام و مردم ایران اسلامی مایه افتخار است که این سرباز و مجاهد فی سبیل الله و پاسدار شجاع امنیت ایران و منطقه که سال‌های متمادی در راه اعتلای کلمه الله و دفاع از کیان انقلاب و سرزمین‌های اسلامی جان خود را در طبق اخلاص گذاشته بود.[4]

عبدالله آخوند خوش نظر امام جمعه اهل سنت تازه یاب از توابع شهرستان مانه وسملقان با بیان اینکه شهید سلیمانی نقشی محوری در امنیت پایدار داشت، گفت: «امنیت مورد نظر آن شهید محدود به مرزهای ایران اسلامی نمی شد، بلکه آن فرمانده دلسوز برای حفظ و برقراری وحدت و امنیت مسلمانان، در سراسر جهان بنا بر

1. https://www.farsnews.ir/kordestan/news/13981014000433
2. https://www.mehrnews.com/news/5389794
3. https://www.isna.ir/news/99100805896

٤. همان.

فرموده پیامبر اعظم ﷺ هجرت کرده و نقشی موثر ایفا می‌نمود».[1]
ماموستا عبدالسلام محمدی امام جمعه شهر حسین‌آباد به جلوگیری اقدامات شهید سلیمانی از فروپاشی و سقوط کردستان اشاره کرد و گفت:

> کرد و کردستان مدیون رشادت‌ها و مجاهدت‌های شهید سردار حاج قاسم سلیمانی است که در حمله داعش و گروه‌های تکفیری و خلافت نامشروع و ناخوانده داعش تنها کسی که توانست اقلیم کردستان را از سقوط و فروپاشی نجات دهد سردار عزیز شهید قاسم سلیمانی بود.[2]

۴. تأثیرگذاری در معادلات منطقه و جهان

عبدالله آخوند خوش نظر امام جمعه اهل سنت با اشاره به اینکه سردار شهید نقش چشم‌گیری در برهم زدن معادلات سیاسی استکبار جهانی و ایادی استکبار داشت، گفت: «سردار سلیمانی برای دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی نه تنها مدافع حرم، بلکه مدافع تمامی مظلومان جهان به‌ویژه مردم مسلمان عراق، سوریه و لبنان بود به گونه ای که این مجاهد بی ادعا پدیده شوم داعش را با درایت و رهنمودهای مقام معظم رهبری، از صحنه روزگار محو کرد».
آخوند عبدالجلیل فرهمند یکی از کارشناسان علوم دینی اهل سنت، با اشاره به نقش ایران در معادلات گفت: «امروز نقش اثرگذار جمهوری اسلامی در معادلات جهان و قدرت جبهه مقاومت در منطقه، مرهون مجاهدت‌های سپهبد شهید قاسم سلیمانی و همرزمانش است».[3]

نتیجه گیری

شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس جدای از ملت ایران، مسلمانان و آزادی‌خواهان جهان را نیز متاثر کرد؛ چرا که خدمات ایشان در مبارزه با ظلم و استکبار و گروه‌های تکفیری و داعش بر هیچ کس پوشیده نیست. اگر «حاج قاسم» نبود، شاید بازهم منطقه میدان تاخت و تاز داعش و گروه‌های تکفیری بود که فجیع‌ترین جنایات را در حق مسلمانان منطقه روا داشتند و به انحای مختلف در کشتار مسلمانان از هیچ تلاشی فروگذار نکردند.

---

۱. همان.

2. https://www.farsnews.ir/kordestan/news/13981014000433

3. https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/10/09/2420892

فهرست منابع

کتب

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا* علیه‌السلام؛ تصحیح مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.

۲. حلوانی، حسین بن محمد، *نزهة الناظر و تنبیه الخاطر*، تصحیح مدرسة الإمام المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، چاپ اول، قم: مدرسة الإمام المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ۱۴۰۸ق.

۳. طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.

٤. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، تحقیق و تصحیح محمدباقر خرسان، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.

۵. لیثی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ*، تصحیح حسین حسنی بیرجندی، چاپ اول، قم: دار الحدیث،۱۳۷۶ش.

۶. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، مصحح: صالح، صبحی، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.

۷. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

سایت‌ها

1. https://farsi.khamenei.ir
2. https://www.farsnews.ir
3. https://www.isna.ir
4. https://www.irna.ir
5. https://www.tasnimnews.com

فصلنامه علمی ـ تخصصی ویژه مبلغان
مناطق مشترک زمستان ۱۴۰۰ ـ شماره هشتم

موانع امر به معروف و نهی از منکر از منظر آیات و روایات

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن دانیاری*

اشاره

قرآن کریم تأکید فراوانی بر حکومت الهی و اجرایی شدن دستورات خداوند روی زمین دارد؛ تا آنجا که خداوند از نشانه‌هایی که صالحان به حکومت می‌رسند، اجرای فرائض الهی و در رأس آن‌ها اقامه نماز، زکات و امر به معروف و نهی از منکر را برشمرده است: «**الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُواْ الصَّلَوةَ وَ ءاتَوُاْ الزَّكَوةَ وَ أَمَرُواْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْاْ عَنِ الْمُنكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ**؛[1] همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست». در این نوشتار، به تحلیل شش مانع مهم امر به معروف و نهی از منکر از جمله ضعف ایمان، ترس، عدم آگاهی از آثار این دو فریضه، بی‌اطلاعی از پیامدهای ترک این دو، تبلیغات و شبهه‌سازی دشمنان و عملکرد اشتباه برخی دینداران پرداخته شده است.

مفهوم شناسی

قبل از ورود به بحث لازم است که مفهوم و معنای امر به معروف و نهی از منکر بیان شود. امر در لغت به دو معنا آمده: یکی کار که جمع آن امور است[2] و دیگری، دستور و طلب که جمع آن اوامر است.[3] نهی نیز در لغت به معنای خلاف الامر[4] و منع و

---

* دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم.

۱. حج: ۴۱.
۲. علی‌اکبر قریشی، *قاموس قرآن*، ج۱، ص۱۱۰.
۳. احمد بن محمد فیومی، *مصباح المنیر*، ج۲، ص۲۲.
٤. خلیل بن احمد فراهیدی، *کتاب العین*، ج۴، ص۹۴.

بازداشتن از چیزی است.[1] معروف از ماده «عرف» به معنای شناخته شده[2] و نیز درک کردن و دریافتن چیزی از روی اثر آن با اندیشه و تدبّر است. معروف، اسمی است برای هر کاری که با عقل و شریعت نیکو شناخته شده است.[3] منکر از ماده «نکر» به معنای خلاف و نقیض معرفت یا همان ناشناخته[4] و چیزی است که به زشتی شناخته شده است.[5]

موانع امر به معروف و نهی از منکر

با عنایت به تأکیدهای فراوان دین مبین اسلام و وجود آثار مثبت فردی و اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، چرا بیشتر مسلمانان اهتمام لازم به اجرای این دو فریضه بزرگ را ندارند و در بسیاری از موارد عمل به این دو فریضه بزرگ با تساهل روبه‌رو می‌شود؟ برخی از مهم‌ترین موانع این دو فریضه به شرح ذیل است:

۱. ضعف ایمان و غیرت دینی

ضعف ایمان اولین مانع امر به معروف و نهی از منکر است. خداوند ریشه اصلی بی‌اعتنایی و بیش‌تر بدبختی‌هایی را که گریبان‌گیر بشر است ضعف ایمان به خدا و دوستی با کافران بر می‌شمارد. ضعف ایمان، قدرت و شجاعت اخلاقی را از انسان سلب و او را تحت نفوذ خود می‌کند و باعث خواری و زبونی می‌شود. بدترین نقطه ضعف انسان که با وجود آن، وی را از هیچ عمل زشت و ارتکاب خلاف وظیفه نمی‌توان مصون دانست، بی‌ایمانی و بی‌دینی است. خداوند در این‌باره می‌فرماید: «**وَ لَوْ كَانُواْ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ النَّبِى وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَ لَكِنَّ كَثِيرًا مِّنهُمْ فَاسِقُون**؛[6] و اگر به خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و آنچه بر او نازل شده، ایمان می‌آوردند، (هرگز) آنان [کافران] را به دوستی اختیار نمی‌کردند؛ ولی بسیاری از آن‌ها فاسق‌اند».

آیت‌الله صافی گلپایگانی درباره ضعف ایمان و در نتیجه پایبند نبودن به این دو فریضه بزرگ می‌نویسد:

---

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ قرآن*، ص۸۲۷.
۲. خلیل بن احمد فراهیدی، *کتاب العین*، ج۲، ص۱۲۲.
۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ قرآن*، ص۵۶۱.
۴. خلیل بن احمد فراهیدی، *کتاب العین*، ج۵، ص۳۵۶.
۵. حسین بن محمد راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ قرآن*، ص۵۶۱.
۶. مائده: ۸۱.

تاریخ را ورق بزنید و به پرونده‌های جرایم و جنایات مراجعه فرمایید تا بفهمید ضحاک‌ها، چنگیزها، یزیدها، حجّاج‌ها و سایر دیکتاتورها و جبّاران و هم‌چنین خیانت‌کاران و وطن فروش‌ها و بیگانه پرست‌ها و دزدها و آدم‌کش‌ها و... از چه دسته و طایفه‌ای هستند. بی‌ایمانی به خدا، انسان را نسبت به مخلوق ضعیف، متملق می‌سازد تا برای خوشامد اشخاص چاپلوسی کند و از ادای تکلیف خودداری نماید. بی‌ایمانی صفت استقامت و ضبط نفس و شهامت او را می‌کشد. ایمان نیرویی است که انسان را توانا و قوی الاراده می‌سازد. مؤمن از هیچ چیز مانند خلاف وظیفه و معصیت خدا نمی‌پرهیزد؛ چنانچه از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است که به ابوذر فرمود: «**إِنَ الْمُؤْمِنَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ تَحْتَ صَخْرَةٍ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ، وَ الْكَافِرَ يَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ ذُبَابٌ مَرَّ عَلَى أَنْفِهِ**؛[1] مؤمن، گناه خود را مانند سنگ بزرگی می‌بیند که می‌ترسد بر سر او بیفتد و کافر و بی‌ایمان، گناه خود را مانند پشه می‌بیند که بر بینی او مرور کرده باشد.».[2]

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «**إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ فَقِيلَ لَهُ وَ مَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ قَالَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ**؛[3] مؤمن ضعیفی که دین ندارد مورد بغض الهی است، سؤال شد مؤمن بی‌دین کیست؟ حضرت فرمود کسی که نهی از منکر نمی‌کند».

۲. ترس بر جان و مال و آبرو

دومین عاملی که منشأ عدم اقدام برخی به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر می‌شود، ترس بر جان و مال است. چه بسا اشخاصی که دچار توهّم بوده، چنین می‌پندارند که با اقدام به امر به معروف و نهی از منکر، کسانی که مورد امر و نهی قرار گرفته‌اند، دشمنی آنان را به دل گرفته به آنان ضربه خواهند زد یا فکر می‌کنند در داد و ستدها طرف‌های معامله خود را از دست خواهند داد؛ در حالی که این‌ها توهّم‌های بی‌جایی است و شیطان انسان را می‌ترساند تا او را از انجام دادن وظیفه‌اش منصرف کند.[4] خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «**إِنَّمَا ذَالِكُمُ الشَّيْطَانُ يخُوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تخَافُوهُمْ وَ خَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِين**؛[5] این فقط شیطان است که پیروان خود را (با

---

۱. فضل بن حسن طبرسی، *مکارم الاخلاق*، ص ۴۶۰.
۲. لطف‌الله صافی گلپایگانی، *راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر*، ص ۶۱-۶۰.
۳. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۵، ص ۵۹.
۴. محمدرضا مدرسی، *دو فرمان الهی برای امت برتر*، ص ۱۱۱.
۵. آل عمران: ۱۷۵.

سخنان و شایعات بی‌اساس) می‌ترساند. از آن‌ها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید». در حقیقت اگر کسی با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر، رفق و مدارا، پند و اندرز نیکو و عمل صالح خود، خطاکاران را ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر نماید، محبوبیت بیشتری می‌یابد و مردم در همه حال به وی اعتماد می‌کنند. در روایت آمده است: «**فَإِنَّ الاَمرَ بِالمَعرُوفِ و النَّهيِ عَنِ المُنكَرِ لَم يُقَرِّبَا اَجَلاً و لَم يُبَاعِدا رِزقاً**؛[1] امر به معروف و نهی از منکر، مرگی را نزدیک و رزقی را دور نکرده است».

از آنجا که گفته‌اند «**الْإِنْسَانُ عَبيدُ الْإِحْسَانِ**» در مواردی که انسان از پیامد تذکر مستقیم، خوف دارد می‌تواند نوعی احسان به مخاطب را زمینه‌ساز تذکر خود قرار دهد تا از رنجش یا واکنش منفی مخاطب پیشگیری شود. در این خصوص خاطره‌ای را از شیهد بزرگوار آیت‌الله سعیدی نقل می‌کنیم:

> یکی از دوستان شهید سعیدی می‌گوید: روزی با شهید سعیدی از کنار یکی از این شیرهای آب می‌گذشتیم شهید سعیدی متوجه زنی شد که به سختی دو سطل آب را با دو دست بلند کرده است و همین امر موجب شده بود که زن نتواند حجاب خود را بطور کامل مراعات کند بطوری که روسریش عقب رفته بود و موی سرش پیدا بود. شهید سعیدی عبای خود را به من داد و سریع به طرف زن رفت و دو سطل آب را با اصرار زیاد از او گرفت. مسافت خانه تا شیر آب طولانی بود و او قبول نکرد که من در این امر خیر کمک کنم. سعیدی سطل‌های آب را به مقصد رساند و مؤدبانه امر به معروف کرد. زن که گفتار و کردار مولایش علی علیه‌السلام را در رخسار این فرزند علی علیه‌السلام بخوبی از نزدیک حس کرده بود، امر به معروف شهید سعیدی را پذیرفت.[2]

۳. عدم آگاهی از اهمّیت و آثار امر به معروف و نهی از منکر

سومین مورد از موانع امر به معروف و نهی از منکر، بی‌اطلاعی از اهمّیت و ثمرات امر به معروف و نهی از منکر است. عدم آگاهی از اهمیت این دو واجب در دیدگاه شرع و نقش آن‌ها در پیدایش اندیشه و رفتار صحیح در جامعه و ثمرات شیرینی که

---

۱. علی بن ابراهیم قمی، *تفسیرالقمی*، ج۲، ص۳۶.

۲. محمد عابدی، *پیکار با منکر در سیرهٔ ابرار*، دفتر اول، ص۱۸۴ _ ۱۸۵.

با اجرای درست آن‌ها مترتّب می‌شود، از عوامل مهم کوتاهی در انجام این دو فریضه است. برای رفع این مشکل باید نهی از منکر و امر به معروف به عنوان یک معروف و ارزش برتر، شناسانده و اهمّیت و اثرات مثبت آن به کمک رسانه‌های گوناگون به طور مستمر و پویا در جامعه القا شود، تا به گونه‌ای پایدار، جزء ساختار ذهنی جامعه به حساب آید. تکرار این مطالب هم در صورتی که به جا و هنرمندانه انجام پذیرد، کاملاً مطلوب است و هیچ‌گونه محذوری را پدید نمی‌آورد و به تعبیر مَثَلِ عربی: «**هو المِسك كُلّما كررته يتضوع**؛ مُشک است که هر دفعه تکرار شود، از آن رایحه خوش پراکنده می‌گردد». به ویژه مواردی که از قرآن کریم بهره‌برداری می‌شود؛ امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره آن فرمود: «**لاتُخلِقُهُ كَثرَةُ الرَّدِّ وَ وُلُوجُ السَّمعِ**؛[1] کثرتِ تکرار و ورود آن به گوش ها، قرآن را کهنه نگرداند».

۴. بی‌اطلاعی از پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکَر

مانع چهارم امر به معروف و نهی از منکر، عدم آگاهی از پیامدهای ناگواری است که از ترک این فرایض دامن‌گیر فرد و جامعه می‌شود. صرف نظر از استحقاق عقوبت اخروی نافرمانی خداوند، عواقبی در همین عالم در انتظار ترک کنندگان این دو فریضه إلهی است. جامعه‌ای که درباره رفتار افرادش بی‌تفاوت باشد و با دیدن هرگونه انحرافی به سادگی از آن بگذرد، دچار تباهی خواهد شد. در این جامعه، زورگویان و مفسدان، جرأت بیش‌تر و بیش‌تری می‌یابند و دیگران خواه ناخواه به گناه و فساد کشیده می‌شوند. هم‌چنین تباهی فراگیر می‌شود، به‌طوری که حتّی افرادی که جدای از فساد، ناگهان خود را غرقِ در تباهی می‌بینند. در روایتی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است:

> **لا تَزالُ اُمَّتِي بِخَيرٍ مَا اَمَرُوا بِالمَعرُوفِ و نَهَوا عَنِ المُنكَرِ و تَعَاوَنُوا عَلَى البِرِّ و التَّقوَى فَإذَا لَم يَفعَلُوا ذَلِكَ نُزِعَت مِنهُمُ البَرَكاتُ وَ سُلِّطَ بَعضُهُم عَلَى بَعضٍ وَ لَم يَكُن لَهُم نَاصِرٌ فِي الأرضِ وَ لا فِي السَّمَاءِ**؛[2] تا زمانی که امّت من امر به معروف و نهی از منکر نمایند و همکاری بر نیکی و تقوا داشته باشند، در خوبی می‌باشند و هرگاه این امور را ترک کردند، برکات از آنان برداشته می‌شود و بعضی بر برخی دیگر مسلّط می‌شوند (به ناحقّ) و برای آنان، یاوری در زمین و

---

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، *نهج البلاغه*، ص۲۱۹.
۲. محمد بن الحسن طوسی، *تهذیب‌الاحکام*، ج۶، ص۱۸۱.

آسمان نخواهد بود .

پیامبر اکرمﷺ در جایی دیگر در این خصوص می‌فرماید: «**إذَا أُمَّتِي تَواكَلَتِ الأمرَ بِالمَعرُوفِ و النَّهيَ عَنِ المُنكَرِ فَليَأذَنُوا بِوِقَاعٍ مِنَ اللَّه**؛[1] هرگاه امّت من، امر به معروف و نهی از منکر را به عهده یک‌دیگر بیندازند، پس باید برای عذاب الهی آماده باشند».

همچنین امام صادقؑ می‌فرماید: «**اَيُّمَا نَاشٍ نَشَأ فِي قَومٍ ثُمَّ لَم يُؤَدَّبْ عَلَى مَعصِيةٍ فَإنَّ اللَّهَ عَزَّوجَلَّ اَوَّلَ مَا يُعَاقِبُهُم فِيهِ أن يَنقُصَ مِن اَرزاقِهِم**؛[2] هر نوجوانی که در میان گروهی رشد یابد و بر معصیت تأدیب نشود، اول عقوبتی که خداوند عزّوجلّ بر آن قوم قرار می‌دهد آن است که روزیِ آنان را می‌کاهد». از صدر اسلام تا به امروز، شاهد تجربه‌های مکرر نتایج هلاکت بار کوتاهی در امر به معروف و نهی از منکر می‌باشیم. امروز ما باید به این وظیفه بزرگ إلهی حساس باشیم، تا نعمت بزرگ نظام اسلامی و استقلال در برابر بیگانگان را حفظ کرده، پیوسته در آرمان‌های بزرگ اسلام و انقلاب با قدرت به پیش برویم.

۵. تبلیغات و شبهه‌سازی دشمنان

ایجاد فضای منفی علیه آمران به معروف و ناهیان از منکر، مانع پنجم در اجرای این دو فریضه الهی است که گاه منحرفان، منافقان و کافران انجام می‌دهند. دشمنان داخلی و خارجی با تمام توان می‌کوشند تا ریشه‌ها و مبانی اسلام را از بین ببرند و در این راه از هیچ کاری دریغ نمی‌کنند. آن‌ها با تبلیغات و تحریفات ضد دینی و القای شبهات، سعی دارند تا با رواج شک و تردید، دین را به انزوا بکشانند. تبلیغات ضد دینی در جوامع اسلامی، مختص زمان حاضر نیست؛ از زمانی که دنیای غرب تبلیغات ضد دینی را برنامه‌ریزی و تنظیم کرد، یکی از اهدافش این بود که در قدم نخست باورها و اعتقادات مردم مسلمان را هدف گرفته، آن‌ها را تحت الشعاع قرار دهد و آنان را به آموزه‌های دینی بدبین سازد. قرآن کریم، درباره تبلیغات ضد دینی دشمنان اسلام چنین می‌فرماید:

يَأَيهَّا الَّذِينَ ءامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ الَّذِينَ اتَّخَذُواْ دِينَكمُ هُزُوًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَابَ مِن قَبْلِكمُ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُواْ اللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ * وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلىَ الصَّلَوةِ اتَّخَذُوهَا

---

۱. همان، ص۱۷۷.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، ص۲۲۳.

هُزُوًا وَ لَعِبًا ذَالِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُون؛[1] ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزا و بازی می‌گیرند ـ از اهل کتاب و مشرکان ـ ولیّ خود انتخاب نکنید و از خدا بپرهیزید، اگر ایمان دارید! آن‌ها هنگامی که (اذان می‌گویید، و مردم را) به نماز فرا می‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این به خاطر آن است که آن‌ها جمعی نابخردند.

به هر حال، دشمن با تبلیغات، تحریفات و تمسخر، در تضعیف امر به معروف و نهی از منکر می‌کوشد. شگردهای گوناگونی را طرّاحی و عملی می‌کنند که باید در مسائل مختلف و در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، این شیوه‌ها را شناسایی و راه حل مناسب آن را یافت و عملی کرد. معاندان و دشمنان حقیقت، گاهی تا آنجا پیش می‌روند که منکر را معروف و معروف را منکر جلوه می‌دهند. چنین افرادی بدون در نظر گرفتن شیوع فساد و تباهی که آنان پدید می‌آورند، افراد آمر به معروف و ناهی از منکر را مزاحم زندگی و آزادی و کسب و کارِ مردم معرفی کرده و چه بسا به آنان دشنام می‌دهند. آیات و روایات زیادی درباره پیدایش چنین شرایطی، هشدارهای جدّی به مسلمانان داده‌اند. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «**بِئسَ القَومُ قَومٌ يُعِيبُونَ الأمرَ بِالمَعرُوفِ و النَّهيِ عَنِ المُنكَرِ**؛[2] بد گروهی هستند آنان که امر به معروف و نهی از منکر را عیب می‌دانند».

۶. عملکرد آمران به معروف و ناهیان از منکر

مانع ششم، خطا و لغزش آمران به معروف و ناهیان از منکر است. در برخی موارد مشاهده می‌شود کسانی که اجرای این دو فریضه را بر عهده دارند، دچار لغزش شده، اعمال‌شان مخالف گفته‌هایشان است. این امر سبب بدبینی مردم به آنان می‌شود و بازتاب منفی در جامعه دارد. خداوند درباره چنین افرادی به بدی یاد می‌کند؛ آنجا که می‌فرماید: «**يَأَيهُّا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ .كَبرُ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُواْ مَا لَا تَفْعَلُون**؛[3] ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی را می‌گویید که عمل نمی‌کنید. نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید».

هم‌چنین قرآن کریم در جایی دیگر خطاب به علمای یهود می‌فرماید: «**أَ تَأْمُرُونَ النَّاسَ**

---

۱. مائده: ۵۸-۵۷.
۲. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج۵، ص۵۷.
۳. صف: ۳-۲.

بِالْبِرِّ وَ تَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَ أَنتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلَا تَعْقِلُون؛[1] آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در *تورات* آمده) دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید؛ با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید! آیا نمی‌اندیشید؟!». با این وجود، لازم است کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند در وهله نخست، خود عامل به نیکی‌ها و پرهیز از گناهان داشته باشند، سپس خانواده و جامعه را به نیکی‌ها دعوت کرده، از بدی‌ها باز دارند. آموزه‌های دینی به ما آموخته است که معیار سنجش را بایستی در متون اصیل دینی جست، نه در رفتار و گفتار افراد منتسب به دین؛ همان‌گونه که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «**إِنَّ الْحَقَّ لا يُعْرَفُ (بِأَقْدَارِ) بِالرِّجَالِ، اِعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِف اَهْلَهُ؛**[2] ملاک و محور درستی و نادرستی کارها، اشخاص و قدر و منزلت آنان نیست، حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی».

بنابراین، اگر در جامعه‌ای امر به معروف و نهی از منکر کمتر رواج دارد به دلیل برخی موانع است که برطرف کردن آن‌ها، باعث احیای این دو فریضه مهم د رجامعه می‌شود. همان‌طور که گفته شده مهم‌ترین موانع، ضعف ایمان، ترس، عدم آگاهی از آثار این دو فریضه، بی‌اطلاعی از پیامدهای ترک این دو، تبلیغات و شبهه‌سازی دشمنان و عملکرد اشتباه برخی دینداران است. پس لازم است جهت احیای این دو فریضه بزرگ، این موانع در جامعه برطرف شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۶ق.

۲. راغب‌اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، محقق: داوودی، صفوان عدنان، بیروت: دارالقلم ـ الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق.

۳. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، *نهج‌البلاغه*، محقق: صالح، صبحی، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.

۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، *راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر*، قم: دفتر

۱. بقره: ۴۴.

۲. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۴۰، ص ۱۳۶.

انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳ش.
۵. طبرسی، فضل بن حسن، *مکارم الاخلاق*، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۰ش.
۶. طوسی، محمد بن الحسن، *تهذیب‌الاحکام*، محقق: خراسان، حسن الموسوی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۷. عابدی، محمد، *پیکار با منکر در سیرهٔ ابرار*، چاپ سوم، قم: نشر معروف، ۱۳۷۷ش.
۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۹. فیومی، احمد بن محمد، *مصباح المنیرفی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم: مؤسسه دارالهجره ۱۴۱۴ق.
۱۰. قریشی، علی‌اکبر، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه ۱۴۱۲ق.
۱۱. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیرالقمی*، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، محقق: غفاری علی‌اکبر و آخوندی محمد، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، *بحارالأنوار*، محقق: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۴. مدرسی، محمدرضا، *دو فرمان الهی برای امت برتر*، یزد: ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر استان یزد، ۱۳۸۵ش.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، *ترجمه قرآن کریم*، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ش.

فصلنامه علمی ـ تخصصی ویژه مبلغان
مناطق مشترک زمستان ۱۴۰۰ ـ شماره هشتم

آثار و برکات مقاومت هوشمندانه جمهوری اسلامی ایران؛ آثار ملی، منطقه‌ای وجهانی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی‌اصغر نصرتی*

مقدمه

همزاد با انقلاب اسلامی، عزم سلطه استکباری آمریکا و غرب بر نابودی نظام جمهوری اسلامی و تمام ارزش‌های بنیادی آن استوار شد. آن‌ها هیچ‌گاه راضی به ادامه حیات این نظام با حفظ مبانی ارزشی آن نشدند و همواره ساختار هجوم و مقابله را تغییر دادند و همه اشکال مقابله را آزمودند. اگر چه انقلاب و توانایی‌های آن را درگیر کردند، ولی نه تنها به هدفشان که نابودی نظام باشد، دست نیافتند؛ بلکه بنیه نظام و انقلاب بیش از پیش قوی‌تر شد. مقاومت جانانه و هوشمندانه، موجب گسترش امواج انقلاب به منطقه و تأثیرگذاری بر سرنوشت منطقه و بخشی از رویدادهای جهانی شد. در این نوشتار آثار و پیامدهای مقاومت هوشمند در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

مفهوم‌شناسی

در ابتدا درباره مفهوم مقاومت و مقاومت هوشمندانه اندکی توضیح داده می‌شود.

۱. مقاومت

مقاومت به معنای ایستادگی کردن و ضدیت با کسی در امری خاص و نیز پایداری نمودن همراه با دوام و استحکام و جنگیدن در برابر هجوم نیروهای دشمن است.[۱]

---

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. عطاملک بن محمد جوینی، *تاریخ جهانگشای جوینی*، ج ۱، ص ۱۰۰.

حوزه معنایی مقاومت افزون بر دفاع، مرحله تهاجم، نبرد و جهاد را نیز در بر می‌گیرد و به گونه‌های متفاوتی ظهور و بروز پیدا می‌کند. منظور از مقاومت، فراتـر از جبهـه مقاومتی است که اینک در منطقه شکل گرفته است؛ بلکه آن را در قامت یک گفتمان باید مورد نظر قرار داد.

۲. هوشمندی

هوشمندی در فرهنگ فارسی به معنای فراست، زیرکی، فتانت، عاقلی، خردمنـدی و هشیاری است و مفهومی فراتـر از دانـایی و اطـلاع دارد.[۱] هوشـمندی، جلـوه‌ای از توانایی انسان است که با پیشگیری از شکست و صعود به موفقیت هم مقبولیت خود را افزایش می‌دهد و هم بر نسبت تأثیر خود بـر دیگـران مـی‌افزایـد. هوشـمندی در عرصه بین‌المللی، با شاخص‌های آشـکار مـدیریت موفـق در عرصـه‌هـای امنیـت و اقتصاد، شناخته می‌شود.[۲]

۳. مقاومت هوشمند

مقاومت هوشمند، اعمال قدرتی (شامل دفاع، ایستادگی و پایداری، جنگ و هجوم و هر گونه مواجهه و مقابله با دشـمن) اسـت کـه در آن بـه طـور همزمـان ترکیبـی از راهبردها، تاکتیک‌ها و ابزار قدرت و جنگ سخت و نرم مورد استفاده قرار می‌گیرند. مقاومت هوشمند، برآمده از عقلانیت راهبردی است.

آثار و برکات مقاومت هوشمند

مقاومتی که اینک، چه در مقیاس داخلی و چه در سطح منطقه و جهان اسـلام، علیـه استکبار جهانی در قالب جبهه مقاومت اسلامی شکل گرفته، توانسته اسـت ضـربات سخت و گاه مهلکی بر جبهه استکباری وارد کند و بیش از پیش بر تـوان و اسـتمرار حیات خود بیفزاید. در این قسمت به صورت مختصر آثـار و برکـاتی کـه مقاومـت هوشمندانه در عرصه‌های ملی، منطقـه‌ای (غـرب آسـیا و جهـان اسـلام) و جهـانی (مستضعفان جهان، متدینین از سایر ادیان آسمانی و نیز قدرت‌ها و حکومت‌های ملی مستقل و ...) بر جای گذاشته است و به دنبال دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

---

۱. حسن عمید، *فرهنگ عمید*، ذیل واژه هوش؛ علی‌اکبر دهخدا، *لغت‌نامه دهخدا*، ذیل واژه هوش.
۲. حسن صالح‌نژاد، «مفهوم قدرت هوشمند و نقش آن در سیاست جدید»، دفتر مطالعات سیاسی (گروه مطالعات بنیادی حکومتی)، ص ۱۵.

۱. آثار ملی مقاومت هوشمند

برخی از مهم‌ترین آثار مقاومت هوشمند در سطح ملی عبارتند از:

۱/۱. شکل‌گیری روح همدلی و همکاری جمعی

یکی از برکات مقاومت هوشمند در سطح جامعه اسلامی، ایجاد همبستگی اجتماعی و اتحاد ملی است که در سایه آن، همه اقوام و مذاهب و حتی صاحبان ادیان مختلف زیر پرچم مقاومت و با انگیزه‌های مختلف ایمانی، اسلامی و ملی گرد می‌آیند و یگانگی و وحدت دولت و ملت را به نمایش می‌گذارند. امام خمینی﵀ با استفاده از آیه «**أَنْ تَقُومُوا لِلّهِ**؛[1] برای خدا به پا خیزید»، استقامت در راه خدا را منشأ وحدت، یکپارچگی و تمرکز بر وحدت کلمه و حرکت به سوی نقطه واحد دانسته است.[2] علامه طباطبایی﵀ نیز در تفسیر آیه ۴۶ سوره انفال،[3] صبر و مقاومت در برابر ناملایمات و مشکلاتی را که دشمن در مقابل شما پدید می‌آورد، قوی‌ترین یاور مؤمنان و محکم‌ترین رکن تحول و تزلزل اراده آن‌ها می‌داند. صبر، رشته پیوند مستحکمی میان مؤمنان و صابرین ایجاد، و صفوف آنان در برابر ضربات دشمن را نفوذناپذیر می‌کند.

۱/۲. گشایش درهای نجات

یکی از سنت‌های الهی و قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، «**فرج بعد الشدة**» و گشایش امور بعد از گذران یک دوره سختی و فشار است؛ چنانکه قرآن فرموده است: «**سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْراً**؛[4] خداوند به‌زودی بعد از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد». این مسئله در سوره انشراح با قاطعیت و صراحت بیشتری تکرار و تأکید شده است: «**إِنَّ مَعَ العُسرِ يُسراً**؛[5] (آری) مسلّماً با (هر) سختی آسانی است». بیان رابطه راحتی و گشایش با سختی در این آیه شریفه با «مع»، نشان‌دهنده همراهی و همزمانی

---

۱. سبأ: ۴۶.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر اثار امام خمینی﵀، *وحدت از دیدگاه امام خمینی*﵀، ص ۲۰۰.

۳. «**أَطيعُوا اللَّهَ وَ رَسولَهُ وَ لا تَنازَعوا فَتَفشَلوا وَ تَذهَبَ ريحُكُم وَ اصبِروا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصّابِرينَ**؛ و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع (و کشمکش) نکنید تا سست نشوید و قدرت شما از میان نرود و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است».

٤. طلاق: ۷.

٥. انشراح: ۵.

آن‌هاست. گویا راحتی در دل سختی‌ها نهفته استِ چنانکه رسول‌خدا ﷺ فرموده است: «**إنّ النَّصرَ مَعَ الصَّبرِ و الفَرَجَ مع الکَربِ و إنّ مَعَ العُسرِ یُسرا**؛[1] همانا پیروزی با صبر همراه است و گشایش با گرفتاری، و بی‌گمان با هر دشواری، آسانی است».

این قانون الهی حاکم بر سرنوشت بشر را می‌توان در تاریخ ملت‌ها مشاهده کرد و نتایج درخشان راحتی و گشایش را بعد از یک دوره سختی و مقاومت در برابر گرفتاری‌ها دید. شاید نمونه بارز آن را بتوان جنگ هشت‌ساله‌ای دانست که از سوی دشمنان انقلاب اسلامی بر ملت ایران تحمیل شد. ملت یران در این جنگ، سخت‌ترین فشارها و کمبودها را تحمل کرد و در نتیجه تحمل و شکیبایی، سال‌ها از مواهب و گشایش‌های نسبی بهره‌مند شد.

گنج و گوهر، کی میان خانه‌هاست؟ گنج‌ها پیوسته در ویرانه‌هاست[2]

۱/۳. زمینه‌سازی گام دوم انقلاب

انقلاب اسلامی طی چهار دهه عمر خود، مراحل کمال را پشت سر گذاشته و به برکت مقاومت اسلامی به ظرفیت و توانمندی رسیده است که آن را می‌توان نقطه عزیمت گام دوم انقلاب قلمداد کرد. مقاومت اسلامی، ظرفیت‌های نهفته و گنج‌های پنهان انقلاب را نمایان کرد، استعدادهای جوانان را شکوفا نمود و مقدمات لازم برای حرکت به سمت هدف‌های والا در گام دوم انقلاب را فراهم کرد. گفتمان مقاومت اسلامی، نقش جهت‌گیری صحیح و هدایتگری انقلاب اسلامی را بر عهده دارد. همچنین گام دوم انقلاب بر اساس بیانیه صادره، برای مقابله با سبک زندگی غربی و بنای سبک زندگی اسلامی ایرانی و مبتنی بر مبانی انقلاب اسلامی، جهادی همه جانبه و هوشمندانه را طلب می‌کند.

۱/۴. ایجاد آمادگی جهت پذیرش ظهور

انتظار واقعی ظهور امام عصر ﷺ، تابع وجود شرایط و مقدماتی است که باید در جامعه انسانی، به‌ویژه در جامعه مؤمنین ایجاد شود؛ مانند تعمیق ایمان دینی، پاکی دل، ذهن و عمل مؤمنین، صبر و پایداری بر امر و نهی الهی. وقتی مقاومت اسلامی در جامعه ایمانی و انقلابی نهادینه شود، آثار آن در افراد و جامعه ایمانی موجب

---

۱. علی بن حسن طبرسی، *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، ج ۱، ص ۲۰.
۲. جلال الدین محمد بلخی، *مثنوی معنوی*، دفتر پنجم، بیت ۳۴۵۱.

پیدایش مقدمات و شرایط انتظار واقعی می‌شود. گفتمان مقاومت گامی به جلو بـرای پذیرش حاکمیت عدالت مطلقه و طهارت جامعه انسانی از پلیدی‌هـا و ظلم‌هاسـت. این گفتمان در صورتی می‌تواند انتظار واقعی را به نمایش بگـذارد و زمینـه پـذیرش عدالت حقه را فراهم سازد که ایمان، تقـوا، اخـلاق و عـدالت را در مقیـاس دولـت اسلامی بر پا کند و با ایجاد دولت اسلامی طراز مقاومت، زمینه قسط و عـدل وعـده داده شده را ایجاد نماید.

۲. آثار منطقه‌ای مقاومت هوشمند

گفتمان مقاومت هوشمند جمهوری اسلامی، در سطح ملی تأثیرات بنیادینی بـر تـک تک انسان‌های مؤمن و انقلابی ایران و نیز بر روابط و نهادهای اجتماعی و ساختارها و نظام و حکومتی جمهوری اسلامی می‌گذارد. در سـطح منطقـه نیـز منشـاء آثـار و برکات فراوانی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۲/۱. شکل‌گیری الگوی مقاومت

شکل‌گیری انقلاب اسلامی، سرنگون‌سازی رژیم دست‌نشانده اسـتکبار، ایجـاد نظـام اسلامی مستقل از شرق و غرب و مقاومت در برابر تمامی توطئه‌ها، جنگ، تحـریم و دشمنی‌های حساب شده جبهه متحد استکباری، ایران اسلامی را به نمونه و الگـویی معیار تبدیل کرده است. انقلاب اسلامی به مثابه الگـوی مقاومـت هوشـمند منطقـه، دارای ویژگی‌هایی همچون ایمان الهی، اعتقاد به مرکزیت دینی در هدایت قـدرت و سیاست، برخورداری از رهبری واحد عالم و عادل دینی، شکل‌گیـری روابـط ولایـی میان امت و امام امت، استقامت و پایداری عمومی جامعه در برابر مشکلات، توکل و اعتماد بـه خداونـد و وعـده‌هـای او، عاقبـت‌اندیشـی، هدفـداری، مبـارزه جـدی و سازش‌ناپذیر بـا جبهـه کفـر و دیکتـاتوری و اسـتکبار، بـی‌اعتمـادی بـه ظالمـان و قدرت‌های شیطانی عالم و مقابله با دنیاگرایی است. امید آزادی‌خواهان جهان اسـلام تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مقاومت فلسطین بود و آن را معیار مبارزه با ستم سازمان‌یافته جهانی در جبهه استکبار می‌دیدند. اکنون مقاومت اسلامی بـا محوریـت جمهوری اسلامی ایران، معیار تمام عیار و موفق برای تقابل ایمان و عدالت با کفـر و ظلم جهانی شده است؛ چنانکه مقام معظم رهبری مدظله‌العالی فرمـوده اسـت: «اگـر ملت‌های مظلوم دنیا بخواهند به کارنامه یک ملت نگاه کنند و نیرو بگیرند، احسـاس

عزت و شرف کنند و درس بگیرند، باید به این ملت نگاه کنند».[1]

۲/۲. تربیت انسان‌های بزرگ و معیار

یکی از مهم‌ترین محصولات مقاومت اسلامی که شاید بتوان آن را آخرین حلقه اهداف انبیا و ادیان الهی و نهضت‌های اصلاحی در تاریخ بشر دانست، پیدایش انسان‌هایی بزرگ و معیار شخصیت مطلوب است. قرآن کریم در صدر اسوه‌های بشری، رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را اسوه و انسان معیاری برای پیشینیان که پیامبران‌شان با توسل به ایشان راه نجات و تقرب به پیشگاه الهی را پیدا کردند و نیز برای آنان که پس از آن حضرت تا قیامت می‌آیند، دانسته است: «**لَقَد كانَ لَكُم في رَسولِ اللّهِ أُسوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كانَ يَرجُو اللّهَ وَ اليَومَ الآخِرَ وَ ذَكَرَ اللّهَ كَثيراً**؛[2] مسلماً برای شما در زندگی رسول‌خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند».

جریان الگوهای برجسته بشری در همه تاریخ از ابتدای خلقت تا قیامت ادامه خواهد داشت. در تاریخ نورانی اسلام، ائمه معصومین علیهم‌السلام اسوه‌های برتر انسانی هستند که بر تاریخ جلوه‌گری می‌کنند. امام خمینی رحمه‌الله، مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، سید حسن نصرالله و شهدای گرانقدری همچون شهید بهشتی، شهید رجایی و شهید سردار قاسم سلیمانی که در مکتب امام خمینی رحمه‌الله پرورش یافته و در مدرسه مقاومت آموخته و پخته و کارآمد شده‌اند، از دیگر اسوه‌ها و الگوهای جامعه بشری هستند.

۲/۳. صدور انقلاب و بیداری ملت‌ها

انقلاب اسلامی چه در اندیشه امام خمینی رحمه‌الله و چه در بیان امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، صدور ارزش‌های آن است؛ نه توسعه‌طلبی جغرافیایی؛ چنانکه رسالت اسلام و انبیای الهی نیز بر همین مسئله استوار است. از همین روست که امام خمینی رحمه‌الله فرموده است: «ما انقلابمان را به تمام جهان جهان صادر می‌کنیم».[3] امام خامنه‌ای دام‌ظله نیز در تبیین صدور انقلاب فرموده است: «معنای صدور انقلاب این است که ملت‌های دنیا

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۴/۰۳/۰۸.
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2753

۲. احزاب: ۲۱.

۳. سید روح‌الله موسوی خمینی، *صحیفه نور*، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

ببینند یک ملت، با قدرت خود و با اتکای به اراده و عزم خویش و با توکل بـه خـدا می‌تواند ایستادگی کند و تسـلیم نشـود».[1] امـام خمینـی‌ﷺ صـدور فرهنـگ و ارزش انقلاب را مبنای تبیین خود از صدور انقلاب دانسته و فرموده است: «ما که می‌گوییم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، می‌خواهیم همین معنـویتی را کـه در ایـران پیـدا شده است؛ صادر کنیم. این انقلاب فرهنگی‌مان را انقـلاب اسـلامی‌مـان را بـه همـه ممالک اسلامی صادر کنیم».[2] مقام معظم انقلاب‌دام‌ظله نیز نفوذ ارزش‌های انقلابـی بـه منطقه را در قالب راهبرد بیداری اسلامی معرفی کـرده و فرمـوده اسـت: «امـروز در منطقه ما، روحیه بیداری اسلامی در بسیاری از کشورها و ملـت‌هـا حـاکم اسـت».[3] ایشان اطمینان می‌دهد کـه «بیـداری اسـلامی نابودشـدنی نیسـت. بیـداری اسـلامی ان‌شاءالله به فضل الهی و به حول و قوه الهی به اهداف خود خواهد رسید».[4]

۲/۴. شکل‌گیری مقدمات تمدن نوین اسلامی

یکی از هدف‌های متعالی انقلاب اسلامی، رسیدن به تمدن نوین اسـلامی اسـت کـه توسط امام خامنه‌ای مدظله‌العالی به عنوان هدف بیان شـده اسـت: «ایـن چیـزی کـه جمهوری اسلامی به عنوان هدف غایی قرار داده، رسیدن بـه تمـدن اسـلامی، منتهـا تمدن متناسب با این زمان، تمدن نوین اسلامی اسـت».[5] ایشـان اشـاره مـی‌کنـد کـه انقلاب پرشکوه ملت ایران، تنها انقلابی است که یک چله پـر افتخـار را پشـت سـر گذاشته و اینک وارد دوم مرحله خودسازی و جامعـه‌پـردازی و تمـدن‌سـازی شـده است.[6]

---

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت ولی‌عصرعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2276

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی، *صحیفه نور*، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۷/۰۹/۰۴.
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41007

٤. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۰۸.
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31770

٥. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۸/۰۸//۲۴.
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44016

٦. بیانیه گام دوم رهبر انقلاب به مناسبت ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
https://farsi.khamenei.ir/gaam/2

۳. آثار جهانی مقاومت هوشمند جمهوری اسلامی

هوشمندی مقاومت اسلامی و وجود رهبران با بصیرت آن، موجب شده جلوتر از دشمن حرکت کند. این مسئله موجب تأثیرگذاری خاص انقلاب اسلامی بر رویدادهای جهان به نحو قابل توجهی خواهد شد. نگاهی به برخی از مهم‌ترین آثار مقاومت بر حوادث جهان، می‌تواند نوید این فرضیه قرار گیرد.

۳/۱. ایجاد تزلزل در پایگاه‌های دشمن

دشمنان مقاومت از بدو انقلاب اسلامی تا کنون، سنگر به سنگر عقب‌نشینی کرده‌اند؛ چنانکه با چنگ و دندان کوشیدند رژیم وابسته پهلوی را حفظ کنند، اما انقلاب اسلامی آن را از میان برد. زمینه حمله رژیم بعثی صدام به انقلاب اسلامی را فراهم، و با تمام توان از آن حمایت کردند؛ در حالی که سرانجام انقلاب اسلامی مستحکم و پایدار ماند و رژیم صدام و آبروی نظام استکباری شرق و غرب و ایستگاه منطقه آنان رفت. شکل‌گیری نهضت مقاومت در لبنان، فلسطین، سوریه، عراق و یمن علی‌رغم جبهه متحد کفر جهانی در تقابل با آن‌ها و نیز قدرتمندتر شدن آنان، موجب ناکامی دشمن و عقب‌نشینی آن‌ها از موضع استکباری‌شان شده است. امروز پایگاه‌های دشمن در منطقه چنان متزلزل و نا امن است که هر چند گاه این زمزمه بلند می‌شود که ماندن در منطقه، صرفه اقتصادی و نظامی برایشان ندارد. خروج بدون دستاورد از افغانستان و عراق و در آینده در دیگر پایگاه‌های آنها در منطقه، گواه این ادعاست.

۳/۲. ایجاد بازدارندگی در مقابل تهدیدات و تهاجمات دشمن

امروز نه تنها جمهوری اسلامی ایران، بلکه کلیت مقاومت به هوشمندی رسیده است که نه تنها به سرعت می‌تواند نوع جنگ سخت و نرم را انتخاب کند؛ بلکه توانش را در سطح منطقه به‌گونه‌ای گسترش داده و تعبیه نموده است که در اصطلاح نظامی، بازدارندگی ایجاد نموده و امکان ضربه اول را از دشمن سلب کرده است. آمادگی همیشگی، ریشه در فرمان الهی به مومنین دارد: «**وَ أَعِدّوا لَهُم مَا استَطَعتُم مِن قُوَّةٍ وَ مِن رِباطِ الخَيلِ تُرهِبونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُم**؛[1] و برای (آمادگی مقابله با) دشمنان، هرچه می‌توانید از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و نیز (دشمنانی) غیر از اینان را که شما آنان را نمی‌شناسید، ولی خداوند آنها را می‌شناسد،

۱. انفال: ۶۰.

به وسیله آن بترسانید، و در راه خدا (و تقویت بنیهٔ دفاعی اسلام) هرچه انفاق کنید، پاداش کامل آن به شما می‌رسد و به شما ستم نخواهد شد». طبق این فرمان، باید توان نظامی را تا اندازه‌ای در مقابل دشمن افزایش داد که به تعبیر مقام معظم رهبری دام‌ظله «دشمن را بیمناک کند، نه بیمناک از تجاوز شما که شما اهل تجاوز نیستید؛ بیمناک از ایستادگی شما، بیمناک از فکر حمله به شما».[1]

امام خمینی رحمه‌الله نیز با توجه بر اینکه «غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، تعاون و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد»،[2] بر ضرورت توانمندی بازدارنگی انقلاب و مقاومت اسلامی تأکید کرده است.

۳/۳. گسترش اسلام ناب در جهان

اگر چه جریان اسلامی که قرن‌ها صاحب حکمرانی به نام اسلام بود و پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی دولت عثمانی، قدرت سیاسی خود را از دست داد و بقایای آن با عناوین مختلفی همچون وهابیت با مرکزیت عربستان سعودی، اخوان‌المسلمین با مرکزیت مصر، همراهی ترکیه و قطر، طالبان در پاکستان و افغانستان، القاعده در افغانستان و نیز داعش، برای ایجاد دولت اسلامی فعالیت‌هایی انجام دادند؛ اما وجود آسیب‌های ناشی از عدم اصالت و بی‌ارتباطی با نبوت و امامت، آمیختگی با کانون‌های فسادآمیز قدرت جهانی، از سویی مانع رشد، استقرار و مقبولیت آنان به عنوان الگوی حکومتی اصیل با مقبولیت مردمی و معقولیت نزد فرهیختگان عالم شده است. از سوی دیگر آنان گرفتار افراط و تفریط شده و با انحراف از مسیر حق، به عنوان ابزاری در دست کانون‌های قدرت فاسد جهانی و سرویس‌های اطلاعاتی نظام‌های استکباری برای ایجاد تفرقه و جنگ خانگی در جوامع اسلامی به کار گرفته شده‌اند. آنان بر خلاف صریح آموزه‌ها و اهداف اسلامی، اولویت خود را تغییر داده و با نظام‌های استکباری صهیونیسم جهانی و مافیای قدرت و ثروت بین‌المللی همراه و همکار شده‌اند.

در نقطه مقابل این جریان، مقاومت اسلامی هوشمندی است که ریشه در اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله و آموزه‌های معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام دارد. این جریان با وجود مزیت‌های

---

۱. بیانات در دانشگاه افسری امام علی علیه‌السلام، ۱۳۹۰/۰۸/۱۹.
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17868

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی، *صحیفه نور*، ج ۱۸، ص ۲۱.

ناشی از اصالت، ارتباط کانون رهبری آن با نبوت و امامت از طریق نیابت، یکپارچگی در رهبری، داشتن نظام اولویت‌ها در دشمنی و دوستی و رعایت اصل قرآنی «**مُحَمَّدٌ رَسولُاللَّهِ وَالَّذینَ مَعَهُ أَشِدّاءُ عَلَی الکُفّارِ رُحَماءُ بَینَهُم**»؛[1] هیچ‌گاه جای دوست و دشمن را عوض نکرده است و در مجموعه جهان اسلام هر جا که لازم باشد، با انعطاف و کوتاه آمدن مانع تضعیف قدرت داخلی مسلمین شده است. این امر یکی از مصادیق بارز هوشمندی این جبهه است که در عین حفظ دشمنی آشتی‌ناپذیر با جبهه کفر و شرک و استکبار جهانی، وحدت جامعه اسلامی را حفظ کرده است. این مسئله نشان‌دهنده معقولیت این جبهه و مقبولیت آن نزد عقلای جهان اسلام و حتی آزادی‌خواهان جهان و در نتیجه گسترش تفکر اسلام ناب با محوریت اهل‌بیت علیهم‌السلام خواهد شد.

فهرست منابع

کتب

قرآن کریم

۱. جوینی، عطاملک بن محمد، *تاریخ جهانگشای جوینی*، تهران: ارغوان، ۱۳۷۰ش.

۲. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم: موسسة آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.

۳. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۵ش.

۴. صالح‌نژاد، حسن، «مفهوم قدرت هوشمند و نقش آن در سیاست جدید»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی (گروه مطالعات بنیادی حکومتی)، ۱۳۹۸ش.

۵. طبرسی، علی بن حسن، *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۳ش.

۶. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰ش.

۷. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۸. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمنی رحمه‌الله، وحدت از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله، تبیان، دفتر ۱۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۸۶ش.

۹. موسوی خمینی، سید روح‌الله، *صحیفه نور*، تهران: مرکز مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱ش.

---

۱. فتح: ۲۹.

۱۰. بلخی، جلال‌الدین محمد، *مثنوی معنوی*، چاپ ۲۵، تهران: انتشـارات اطلاعـات، ۱۳۹۷ش.

سایت‌ها

پایگاه اطلاع‌سانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای.

توشه فصلنامه علمی ـ تخصصی ویژه مبلغان
مناطق مشترک زمستان ۱۴۰۰ ـ شماره هشتم

پاسخ به پرسش‌های مناطق مشترک

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله مؤمنی*

مقدمه

یکی از شیوه‌های بیان معارف در قرآن، سنت پرسش و پاسخ است: «**وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي**؛[1] و از تو درباره روح سؤال می‌کنند، بگو روح از فرمان پروردگار من است». بی‌شک نشاط علمی جامعه در زمینه‌های گوناگون در گرو پرسش و پاسخ است. راه مقاوم‌سازی باورها و جداسازی آن‌ها از خرافات نیز پاسخ‌های منطقی به پرسش‌هاست. در این مقاله تلاش شده است به پاسخ برخی از پرسش‌هایی که شیعیان در مناطق مشترک بیشتر مورد سؤال قرار می‌گیرند، پرداخته شود.

۱. آیا نیاکان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یکتاپرست بودند؟

با توجه به اینکه تعداد انگشت‌شماری از اعراب آن زمان به خداوند و خالق هستی اعتقاد داشتند، مقصود از ایمان نیاکان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یکتاپرستی آنان و پرهیز از پرستش بت‌هاست. بیشتر دانشمندان اهل‌سنت یکتاپرستی نیاکان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را نپذیرفته‌اند و به کفر آنان معتقدند. آنان برای این عقیده خود به آیه‌ای از قرآن استدلال می‌کنند که از به بت‌پرستی «آزر»، پدر حضرت ابراهیم صلی‌الله‌علیه‌وآله که یکی از اجداد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است، اشاره کرده است.[2]

پاسخ: واژه «أب»، «پدر» و ... در زبان عربی، فارسی و دیگر زبان‌ها همان‌گونه که

---

* کارشناس ارشد مذاهب اسلامی.

۱. اسراء: ۸۵.

۲. انعام: ۷۴، مریم: ۱۴ و ۴۲، شعراء: ۶۹ و ۷۰.

درباره پدر صُلبی به کار می‌رود، به سرپرست، عمو، معلم، پدرخوانده و ... نیز اطلاق می‌شود؛ چنانکه لفظ «ابن» و «پسر» نیز هم مشمول پسر صُلبی و هم پسر دختر، شاگرد و ... می‌شود. در قرآن هنگامی که حضرت یعقوب علیه‌السلام در وقت وفات از پسرانش سؤال می‌کند پس از من چه چیز را می‌پرستید؟ آن‌ها می‌گویند: «**قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ**؛[1] گفتند ما معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می‌پرستیم». در این آیه لفظ «پدر» بر اسماعیل علیه‌السلام اطلاق شده است، در حالی که آن حضرت عموی یعقوب علیه‌السلام بود. علامه طباطبایی با استناد به آیاتی از قرآن ثابت می‌کند که آزر عموی حضرت ابراهیم علیه‌السلام بوده است.[2] برخی مفسرین و محققین همچون مسعودی، یعقوبی، ماوردی، سنوسی، تلمسانی و سیوطی ایمان اجداد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را پذیرفته‌اند.[3]

شیعه بر این باور است که نور مقدس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در صُلب و رحِم مشرکی قرار نگرفته است؛ از این رو پدر، مادر و اجداد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تا حضرت آدم علیه‌السلام همگی یکتاپرست بوده‌اند.[4] گروهی از آنان ایمان خویش را اظهار کرده و گروهی دیگر پنهان و تقیه نموده‌اند.[5] شیخ صدوق می‌نویسد: «**اعتقادنا فیهم إنّهم مسلمون مِن آدم الی أبیه عبدالله**؛[6] اعتقاد ما درباره نیاکان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آن است که از حضرت آدم علیه‌السلام تا عبدالله پدر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله همگی یکتاپرست بوده‌اند». شیخ مفید نیز دیدگاه شیخ صدوق را پذیرفته است.[7] ابوعلی طبرسی، مفسر شیعه نیز معتقد است علمای شیعه بر این مطلب اجماع دارند که تمامی اجداد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یکتاپرست بوده‌اند.[8]

آیات

الف: «**الَّذی یَراکَ حینَ تَقُومُ وَ تَقَلُّبَکَ فِی السَّاجِدینَ**؛[9] همان کسی که تو را هنگامی که

---

۱. بقره: ۱۳۳.
۲. سید محمدحسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۷، ص ۱۷۱ ـ ۱۶۸.
۳. جعفر مرتضی عاملی، *الصحیح من سیرة النبی الأعظم*، ج ۲، ص ۷۳.
٤. همان.
٥. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱۵، ص ۱۱۷.
٦. محمد بن علی صدوق، *الاعتقادات الامامیه*، ص ۱۱۰.
۷. محمد بن محمد مفید، *تصحیح اعتقادات الامامیه*، ص ۱۳۹.
۸. فضل بن حسن طبرسی، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۶، ص ۷۹۸.
۹. شعراء: ۲۱۸.

(برای عبادت) بر می‌خیزی، می‌بیند و به انتقال تو در اهل سجود (و به دوران تحولت از اصلاب شامخه به ارحام مطهره) آگاه است».

طبرسی در معنای این آیه می‌نویسد: «روح پیامبر صلی الله علیه و آله در صُلب پیامبران قرار داشت؛ پیامبری بعد از پیامبر دیگر تا اینکه خداوند او را از صُلب پدرش از ازدواجی پاک و دور از هر گونه ناپاکی از زمان آدم علیه السلام به بعد بیرون فرستاد». بنابراین آیه، گواهی بر یکتاپرست بودن نیاکان پیامبر صلی الله علیه و آله است. در تفاسیر روایی شیعه نیز ذیل این آیه روایاتی که بر یکتاپرست بودن اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله دلالت دارند، بیان شده است.[1] محمود آلوسی نیز معتقد است اگر مراد از ساجدان، مؤمنان باشد؛ با این آیه بر وجود ایمان پدران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله استدلال شده است و جمعی از اجله اهل‌سنت بر این عقیده استوارند.[2]

ب: «**رَبَّنا وَ اجْعَلْنا مُسْلِمَيْنِ لَکَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَکَ ... وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ؛**[3] پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور ... پروردگارا، در میان آنان رسولی از خودشان برانگیز».

«**وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛**[4] و خدا این خداپرستی را در همه ذریّت او تا قیامت کلمه باقی گردانید، باشد که (همه فرزندانش به خدای یکتا) رجوع کنند».

این آیات به صراحت گواهی می‌دهد که در نسل ابراهیم علیه السلام همواره یکتاپرست و مسلمان وجود داشته است. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در روایتی فرموده است: «من پیوسته در بهترین خانواده‌ها و نیکوترین فرقه‌ها بودم».[5] بنابراین نمی‌توان پذیرفت یکی از اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله کافر باشند؛ چرا که یا باید گفت در آن زمان هیچ گروهی مؤمن نبوده است که با آیه قرآن ناسازگار است و یا باید گفت با وجود گروه مؤمن، پیامبر صلی الله علیه و آله (پنا بر خدا) از نسل گروه کافر بوده است که باز با کلام آن حضرت سازگار نیست. در حالت سوم و با وجود گروه مؤمن، باید پیامبر صلی الله علیه و آله را از نسل کفار و در عین حال، نسل ایشان را بهترین بدانیم که به معنای بهتر دانستن خاندان کافران از خاندان

---

۱. محمد بن حسن طوسی، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۸، ص ۶۸.
۲. محمود بن عبدالله آلوسی، *روح المعانی*، ج ۱۰، ص ۱۳۵.
۳. بقره: ۱۲۸.
٤. زخرف:۲۸.
٥. محمد بن عیسی ترمذی، *سنن الترمذی*، ج ۵، ص ۵۸۴؛ محمد بن اسماعیل بخاری، *صحیح بخاری*، ج ۴، ص ۱۸۹.

یکتاپرست است و با آیه شریفه «**وَ لَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْـرِك** ...؛[1] همانـا بنـده مـؤمن بسی بهتر از آزاد مشرک است»، مخالف است. با بطلان این سه احتمال، باید پذیرفت که تمامی نیاکان پیامبر ﷺ موحد بوده‌اند.

روایات

در منابع حدیثی شیعه روایات بسیاری ایمان اجداد پیامبر ﷺ را اثبات می‌کند. جـابر بن عبدالله انصاری از رسول‌خدا ﷺ چنین نقل می‌کند:

إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) لَمَّا أَحَبَّ أَنْ يَخْلُقَنِي، خَلَقَنِي نُطْفَةً بَيْضَاءَ طَيِّبَةً، فَأَوْدَعَهَا صُلْبَ أَبِي آدَمَ عليه السلام، فَلَمْ يَزَلْ يَنْقُلُهَا مِنْ صُلْبِ طَاهِرٍ إِلَى رَحِمٍ طَاهِرٍ إِلَى نُوحٍ وَ إِبْـرَاهِيمَ عليهما السلام، ثُـمَّ كَـذَلِكَ إِلَـى عَبْـدِ الْمُطَّلِبِ، فَلَمْ يُصِبْنِي مِنْ دَنَسِ الْجَاهِلِيَّةِ؛[2] همانـا خداونـد هنگـامی کـه خواسـت مـرا بیافریند، مرا به شکل نطفه‌ای سفید و پاک آفرید و سپس آن را در پشت آدم عليه السلام قرار داد، و پیوسته آن را از پشت و رحم‌های پاک به دیگری انتقال مـی‌داد تـا اینکـه بـه پشت نوح و ابراهیم عليهما السلام راه یافت، سپس به همین ترتیب به عبـدالمطلب رسـید، از پلیدی‌های جاهلیت هیچ چیز دامن مرا نیالود.

امیرالمؤمنین عليه السلام ضمن بیان ویژگی‌های پیامبران می‌فرماید:

خداوند پیامبران را در بهترین ودیعتگاه‌ها به ودیعت نهاد و در شریف‌ترین قرارگاه‌ها جای داد. آنان را از صُلب‌هایی کریم به رحم‌هایی پاکیزه منتقل فرمود. هر گاه یکـی از ایشان از جهان رخت بربست، دیگری برای اقامه دین خدا جای او را گرفـت تـا کرامت نبوت از سوی خداوند سبحان نصیب محمد ﷺ گردید. او را از نیکـوترین خاندان‌ها و عزیزترین دودمان‌ها بیـرون آورد، از شـجره‌ای کـه پیـامبرانش را از آن آشکار نموده بود و امینان وحـی خـود را از آن برگزیـده بـود. خانـدان او، بهتـرین خاندان‌هاست و اهل‌بیتش، نیکوترین اهل‌بیت‌ها.[3]

در متون تاریخی نیز دلایلی بر یکتاپرست بودن نیاکان پیامبر ﷺ وجـود دارد؛ ماننـد دعای عبدالمطلب هنگام هجوم ابرهه به مکه برای خراب کردن کعبه و توکـل او بـه خداوند متعال[4] یعقوبی می‌نویسد: «حضرت عبدالمطلب، جد پیامبر ﷺ به دلیل عمل

---

۱. بقره: ۲۲۱.
۲. محمد بن حسن طوسی، *الامالی*، ج ۱، ص ۵۰۰.
۳. محمد بن حسین شریف الرضی، *نهج البلاغة*، ص۱۳۹، خطبه ۹۴.
٤. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر قرشی، *السیرة النبویة*، ج ۱، ص ۳۴.

به آیین حنیف ابراهیمی به ابراهیم ثانی ملقب شده بود».[1]

از عبدالمطلب شعری نیز نقل شده است که بر موحد بودن ایشان دلالت می‌کند:

یا رب أنت الأحد الفرد الصمد إن شئت ألهمت الصواب و الرشد[2]

«ای پروردگارا! تو احد، فرد و صمد هستی. اگر بخواهی، راه راست و رستگاری را الهام می‌کنی».

بنابراین پیامبر ﷺ از صلب یکتاپرستانی است که پاک‌ترین و بهترین اهل زمان خود بوده‌اند.

۲. بدعت چیست و مصادیق و احکام آن کدام است؟

بدعت در لغت از ریشه «بدع» به معنای ایجاد امر تازه و بدون سابقه است.[3] در اصطلاح نیز به معنای ایجاد پدیده‌ای است که سابقه‌ای از آن در قرآن، سنت، اجماع و دیگر ادله شرعی نباشد و البته با نیت شرعی‌سازی (تشریع) همراه باشد.[4] در برخی آیات قرآن، بدعت به معنای تجاوز از حدود الهی و ظلم،[5] افترا بر خداوند[6] و گناه[7] آمده است. در روایات فریقین نیز بدعت، نکوهش و از گناهان معرفی شده است.[8] از همین روست که علمای شیعه و اهل‌سنت بدعت را حرام و از مصادیق کفر و شرک دانسته‌اند.

تعریف بدعت

مسلمانان همواره درباره علت بدعت اختلاف داشته‌اند و مذاهب اسلامی یکدیگر را به بدعت متهم می‌کنند. ابن‌تیمیه افراد و گروه‌های بسیاری را به بدعت متهم کرده و بسیاری از اعمال و رفتار رایج را بدعت دانسته است.[9]

---

۱. احمد بن اسحاق یعقوبی، *تاریخ الیعقوبی*، ج ۲، ص ۱۱.
۲. همان، ج ۱، ص ۲۴۷.
۳. خلیل بن احمد فراهیدی، *العین*، ج ۲، ص ۵۴.
٤. احمد بن علی ابن‌حجر عسقلانی، *فتح الباری*، ج ۱۳، ص ۲۵۳.
٥. مائده: ۸۷.
٦. انعام: ۱۴۴.
۷. نحل: ۲۵.
۸. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۵۶؛ احمد بن حنبل شیبانی، *مسند أحمد*، ج ۲۸، ص ۳۷۵.
۹. احمد بن عبدالحلیم ابن‌تیمه، *مجموعه الرسائل والمسائل*، ج ۱، ص ۱۲۵.

برخی همچون بربهاری، ابن‌تیمیه[1] و محمد بن عبدالوهاب، با خلط معنـای لغـوی و اصطلاحی دامنه بدعت را توسعه داده و پدیده‌های جدید پس از رحلت پیامبرﷺ را بدعت و حرام دانسته‌اند؛ مواردی همچون خواندن ذکر یا دعا بعد از اذان، تلاوت بـا صدای بلند، مجلس بزرگداشت موالید و وفیات برای بزرگان دین، مولـودی‌خـوانی، بلند گفتن ذکر لا اله الا الله بلند کردن هنگام تشییع جنازه، آویختن پرچم در تکایا.

برخی دیگر با تقسیم پدیده‌های پس از رحلت رسول‌خداﷺ به دو قسم شایسـته و ناشایست، بدعت ناشایست را حرام کرده‌اند.[2] منشأ اصلی این تقسیم‌بنـدی نیـز قـول خلیفه دوم درباره نماز تراویح است که به دستور وی در شب‌هـای مـاه رمضـان بـه صورت جماعت خوانده و گفته شد: «**نِعْمَ البِدْعَةُ هَذِهِ**،[3] این چه بدعت نیکویی است».

گروهی نیز عملی را بدعت می‌دانند که دارای دو ویژگـی باشـد: ریشـه و دلیلـی در شریعت اسلام برای آن عمل یافت نشود، وانمود کـردن آن عمـل بـه عنـوان طریـق شرعی.[4]

دیدگاه سوم، بهترین دیدگاهی است که تا کنون ارائه شده است و روایات اسلامی آن را تأیید می‌کند؛ زیرا در بسیاری از روایات بدعت را در برابر سـنت بـه کـار بـرده و سنت، یعنی روشی که پیامبرﷺ آن را بنیان نهاده و بر آن مواظبت داشـته اسـت. بـه قرینه مقابله روشن می‌شود که بدعت، شیوه‌ای است کـه بـانی آن پیـامبرﷺ نبـوده است و آن شیوه به نام دین رواج داده شده است. مواردی نیز که در روایات به عنوان مصادیق بدعت یاد شده، مؤید این مدعاست. بنابراین نوآوری‌هایی کـه ارتبـاطی بـه شریعت ندارد و مسئله عرفی و عادی است، بدعت نخواهد بود. اساس بدعت به این نکته باز می‌گردد که آن پدیده، فاقد ریشه شرعی است و شرعی‌سـازی شـده اسـت. این در حالی است که اگر دلیلی شرعی به صورت خاص یا کلی یا حتی عمومات بر مشروعیت آن دلالت داشته باشد، آن عمل بدعت نخواهد بود.[5]

بسیاری از رفتارهای شیعه کـه توسـط برخـی بـدعت شـمرده شـده اسـت، تحـت

---

۱. محمد بن ابی‌یعلی، *طبقات الحنابله*، ج ۲، ص ۱۸؛ سلیمان بن سمحان نجدی، *الهدایة السنیه والتحفة الوهابیة النجدیه*، ج ۱، ص ۴۷.

۲. جعفر سبحانی، *البدعه و آثارها الموبقه*، ص ۲۶ و ۲۷.

۳. محمد بن اسماعیل بخاری، *صحیح بخاری*، ج ۳، ص ۴۵.

٤. ملا احمد نراقی، *عوائد الایام*، ج ۱، ص ۱۱۲.

٥. احمد بن علی ابن‌حجر عسقلانی، *فتح الباری*، ج ۱۳، ص ۲۵۴.

عمومات و ضوابط کلی شرع قرار می‌گیرد؛ مانند مجالس جشن و سوگواری اهل‌بیت علیهم‌السلام که مصداق و جلوه محبت اهل‌بیت است.

۳. آیا جمله «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» جزء اذان و اقامه است و چرا اهل‌سنت در اذان صبح، «الصلوه خیر من النوم» می‌گویند؟

فقهای شیعه، زیدیه و اسماعیلیه عبارت «**حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ**» (حیعله) را یکی از اجزای اذان و اقامه می‌دانند[۱] و به روایات بسیاری در این زمینه استدلال کرده‌اند.[۲] این در حالی است که فقهای اربعه اهل‌سنت این جمله از فقرات اذان و اقامه نمی‌دانند[۳] و عبارت «**الصلوه خیر من النوم**» (تثویب) را در اذان صبح مستحب می‌دانند.[٤]

در برخی منابع اهل‌سنت عبارت «**حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ**» جزئی از اذان دانسته شده است؛ چنانکه از عبدالله بن عمر چندین روایت نقل شده است که این عبارت را در اذان می‌آورده است.[٥] بر اساس نقل بیهقی، ابو امامه، سهل بن حنیف و بلال حبشی نیز این عبارت را در اذان‌شان آورده‌اند.[٦] فقهای اهل‌سنت این روایات را نمی‌پذیرند؛ زیرا معتقدند این روایات در مصادر حدیثی دست دوم آمده و راویان احادیث ضعیف و از درجه اعتبار ساقط هستند. برخی نیز معتقدند این جمله در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله جز اذان بوده و در عصر خلیفه دوم به خاطر مصلحت‌اندیشی وی که این جمله موجب اهمیت دادن بیش از اندازه مسلمانان به نماز و سستی آنان نسبت به جهاد می‌شود، از اذان حذف شد؛[۷] چنانکه در حدیثی از امام باقر و امام صادق علیهماالسلام آمده است:

كَانَ الْأَذَانُ بِحَيِّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَ بِهِ أُمِرُوا فِي أَيَّامِ أَبِي بَكْرٍ وَ صَدْرٍ مِنْ أَيَّامِ عُمَرَ ثُمَّ أَمَرَ عُمَرُ بِقَطْعِهِ وَ حَذْفِهِ مِنَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ إِذَا سَمِعَ النَّاسُ أَنَّ الصَّلَاةَ خَيْرُ الْعَمَلِ تَهَاوَنُوا بِالْجِهَادِ وَ تَخَلَّفُوا عَنْهُ؛[۸] جمله «حی علی خیر

---

۱. علی بن حسین سید مرتضی، *الانتصار*، ص ۱۳۷؛ حافظ علوی، *الاذان بحيّ عَلى خير العمل*، ص ۹۱.
۲. محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۵، ص ۴۱۶.
۳. محمد شوکانی، *نیل الاوطار*، ج ۲، ص ۴۶.
٤. عبدالرحمن الجزیری، *الفقه علی المذاهب الأربعة*، ج ۱، ص ۲۸۲.
٥. ابوبکر بن حسین بیهقی، *السنن الکبری*، ج ۱، ص ۴۲۴؛ عبدالله بن محمد ابن ابی‌شیبه، *المصنف*، ج ۱، ص ۱۹۶.
٦. سلیمان بن احمد طبرانی، *المعجم الکبیر*، ج ۱، ص ۳۵۲.
۷. سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی، *شرح المقاصد فی علم الکلام*، ج ۵، ص ۲۸۳.
۸. نعمان بن محمد ابن‌حیون مغربی، *دعائم الإسلام*، ج ۱، ص ۱۴۲.

العمل» در زمان رسول‌خدا صلی الله علیه و آله و نیز در زمان ابوبکر و اوایل خلافت عمر گفته می‌شد. سپس عمر دستور حذف آن را داد. وقتی علت آن را پرسیدند، گفت: مردم عوام وقتی بشنوند که نماز بهترین عمل است، در جهاد سستی کرده و از رفتن به جبهه خودداری می‌کنند.

این تصمیم خلیفه، اجتهاد در برابر نص است؛ زیرا مگر جنگ‌های زمان خلفا از غزوات و سرایای پیامبر صلی الله علیه و آله مهم‌تر بوده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از گفتن این جمله نهی نکرد.

۴. نذر برای اولیا خدا چه حکمی دارد؟

یکی از اقسام نذر رایج میان مسلمانان، نذر عملی مانند قربانی برای خدا و هدیه دادن ثواب آن به یکی از اولیای الهی یا بندگان صالح خداست. برخی نیز نذر می‌کنند که در صورت برطرف شدن گرفتاری خود، مبلغی یا گوسفندی را نذر اطعام فقرا یا زائران کنند. نذر آنان برای خداست، اما ثواب آن عمل هدیه به ولی‌خداست. در میان علمای اهل‌سنت، تنها فرقه وهابیت این نوع نذر کردن را حرام و معصیت دانسته‌اند؛ چنانکه ابن‌تیمیه می‌گوید نذر برای قبر یا اهل قبور، حرام و معصیت است.[۱]

ارزش هر عملی، به نیت آن عمل است. اگر نذر برای غیر خدا باشد، به این نیت که آن شخص شایسته این نذر است و زمام امور به دست اوست، شرک محسوب می‌شود؛ اما اگر نیت نذرکننده صدقه‌ای باشد تا ثواب آن به ولی‌خدا برسد، قطعاً صحیح است. خالدی، عالم اهل‌سنت پس از تأیید این مطلب می‌گوید: «تصور اینکه انبیا و صالحین بت‌هایی هستند ـ پناه بر خدا ـ و نیز عیدهایی از اعیاد جاهلیت است، از گمراهی و خرافات و جسارت این گروه بر انبیای الهی و اولیای اوست».[۲]

در نقل تاریخی آمده است: شخصی نذر کرد که شتری را در منطقه‌ای نحر کند. از پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره سؤال نمود. حضرت فرمود: «در آن مکان بتی که عبادت شود، وجود دارد؟». عرض کرد: «خیر». حضرت دوباره فرمود: «آیا در آن مکان، عید مشرکین گرفته می‌شود؟». عرض کرد: «خیر». آنگاه حضرت فرمود: «به نذر خود وفا

۱. احمد بن عبدالحلیم ابن‌تیمیه، *اقتضاء الصراط المستقیم*، ص ۳۱۵.
۲. داوود بن سلیمان خالدی، *صلح الإخوان*، ص ۱۰۲.

کن».[1] همچنین شخص دیگری نیز نقل می‌کند: پدرم به پیامبرﷺ عرض کرد:« من نذر کرده‌ام که پنجاه گوسفند در بوانه ذبح کنم». حضرت فرمود: «آیا در آنجا چیزی از این بت‌ها وجود دارد؟». جواب داد: «خیر». حضرت فرمود: «پس به نذرت وفا کن».[2]

ابی‌داوود نیز نقل کرده است که زنی نزد رسول‌خداﷺ آمد و عرض کرد: «ای رسول‌خداﷺ! ... من نذر کرده‌ام که در فلان مکان ـ که در آنجا اهل جاهلیت ذبح می‌کردند ـ ذبح نمایم». پیامبرﷺ فرمود: «آیا در آنجا بت بزرگ است؟». آن زن عرض کرد: «خیر». حضرت نیز فرمود: «آیا بت کوچک است؟». عرض کرد: «خیر». در این هنگام پیامبرﷺ فرمود: «به نذرت وفا کن».[3]

فهرست منابع

۱. ابن ابی‌شیبه، محمد بن عبدالله، *المصنف*، چاپ اول، ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.

۲. ابن ابی‌یعلی، محمد بن محمد، *طبقات الحنابله*، بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا.

۳. ابن‌تیمیة، احمد بن عبدالحلیم، *اقتضاء الصراط المستقیم*، تحقیق ناصر عبدالکریم العقل، چاپ هفتم، بیروت: دار العالم الکتب، ۱۴۱۹ق.

۴. ـــــــــــــــــــــ، *مجموعه الرسائل والمسائل*، مصر: المنار، ۱۳۴۹ق.

۵. ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی، *فتح الباری*، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۷۹ق.

۶. ابن‌حیون مغربی، نعمان بن محمد، *دعائم الإسلام*، تحقیق آصف فیضی، قم: مؤسسة آل‌البیتﷺ، ۱۳۸۵ق.

۷. ابن‌حنبل، احمد بن محمد، *المسند احمد بن حنبل*، تحقق شعیب الأرنؤوط، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.

۸. ابن‌کثیر قرشی، اسماعیل بن عمر، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت: دارالطباعه، ۱۳۹۵ق.

۹. ابن‌ماجه قزوینی، محمد بن یزید، *سنن ابن‌ماجه*، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بی‌جا: دار إحیاء الکتب العربیة، بی‌تا.

---

۱. ابوداوود سلیمان بن اشعث سجستانی، *سنن ابی‌داوود*، ج ۳، ص ۲۳۸.

۲. محمد بن یزید ابن‌ماجه قزوینی، *سنن ابن‌ماجه*، ج ۱، ص ۶۸۸.

۳. ابی‌داود سلیمان بن اشعث سجستانی، *سنن ابی‌داود*، ج ۳، ص ۲۳۸؛ علی‌اصغر رضوانی، *سلسله مباحث وهابیت‌شناسی*، ص ۶۸.

۱۰. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، *سنن أبی‌داود*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت: المکتبة العصریة، بی‌تا.
۱۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی*، تحقیق علی عبدالباری عطیة، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، تحقیق محمدزهیر بن ناصرالناصر، چاپ اول، بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۱۳. بیهقی، ابوبکر بن حسین، *السنن الکبری*، دار الکتب العلمیة، بیروت ـ لبنات چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن الترمذی*، تحقیق إبراهیم عطوة، چاپ دوم، مصر: شرکة مصطفی البابی، ۱۳۹۵ق.
۱۵. تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر، *شرح المقاصد فی علم الکلام*، چاپ اول، قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۹ق.
۱۶. الجزیری، عبدالرحمن، *الفقه علی المذاهب الأربعة*، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، تحقیق: مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام، قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام، بی‌تا.
۱۸. خالدی، داوود بن سلیمان، *صلح الاخوان*، مصر: المنار، بی‌تا.
۱۹. رضوانی، علی‌اصغر، *سلسله مباحث وهابیت‌شناسی: وهابیت و توجه به اولیاء، قسم، دعا، نذر و قربانی*، چاپ اول، تهران: مشعر، ۱۳۹۰ش.
۲۰. سبحانی، جعفر، *البدعه و آثارها الموبقه*، تهران، مشعر، ۱۴۱۶ق.
۲۱. سید مرتضی، علی بن حسین، *الانتصار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۲۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغة*، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲۳. شوکانی، محمد بن علی، *نیل الاوطار*، چاپ اول، مصر: دارالحدیث، ۱۴۱۳ق.
۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۲۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، چاپ دوم، قاهره: مکتبة ابن‌تیمیه، بی‌تا.
۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبایی؛ چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.

۲۶. طوسی، محمد بن حسن، *الامالی*، چاپ اول، قم: دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۷. ـــــــــــــــــــ، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربي، بی‌تا.
۲۸. صدوق، محمد بن علی، *اعتقادات الامامیة*، چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۲۹. عاملی، جعفر مرتضی، *الصحیح من سیرة النبي الأعظم*، چاپ چهارم، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۶ق.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، بیروت: دار و مکتبة الهلال، بی‌تا.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، *بحارالأنوار*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱٤۰۳ق.
۳۳. مفید، محمد بن محمد، *تصحیح اعتقادات الامامیة*، تحقیق حسین درگاهی، چاپ دوم، قم: کنگره شیخ ۱۴۱۴ق.
۳۴. نجدی، سلیمان بن سمحان، *الهدایة السنیه والتحفة الوهابیة النجدیه*، مصر: مطبعه المنار، بی‌تا.
۳۵. نراقی، ملا احمد، *عوائد الایام*، چاپ دوم، قم: مکتبه بصیرتی، ۱۴۰۸ق.
۳۶. یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار طادر، بی‌تا.

فصلنامه علمی ـ تخصصی ویژه مبلغان
مناطق مشترک زمستان ۱۴۰۰ ـ شماره هشتم

بایسته‌های تبلیغ در مناطق مشترک

حجت‌الاسلام والمسلمین موسی‌الرضا تیموری*

مقدمه

تبلیغ دین به معنای رساندن آموزه‌های دینی و تأکید بر انجام اوامر و دوری از نواهی الهی جهت رشد و هدایت انسان‌ها، یکی از وظایف و رسالت‌های مهم انبیای الهی و وارثان آنان است و اینک حوزه‌های علمیه و روحانیون به عنوان وارثان انبیا، این تکلیف را بر دوش دارند. خداوند متعال در قرآن کریم با تمجید از مبلغین، کار آنان را ارزشمند دانسته و فرموده است: «**وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا**؛[1] کیست خوش‌گفتارتر از آن‌که به سوی خدا دعوت کند و کار نیک انجام دهد». رهبر معظم انقلاب دام‌ظله، تبلیغ دین را وظیفه اصلی روحانیون می‌داند تا دل‌ها و ذهن‌های مخاطبین به سمت یک هدف عالی و ولایی سوق پیدا کند: «جامعه علمی ـ دینی یعنی روحانیت، اولین وظیفه‌اش تبلیغ است. تبلیغ یک وظیفه درجه دوم و مخصوص عده‌ای خاص از روحانیون نیست، شرایط و لوازم و نیازها و تلاش‌هایی احتیاج دارد. کسانی که اهل این کارند، باید دامن همت به کمر بزنند و آستین‌ها را بالا کنند و این حرکت را انجام دهند».[2] برای تأثیرگذاری تبلیغ، باید راهبرد مناسب آن در هر قشر و منطقه، مناسب و منطبق با زمان و مکان باشد. بر این اساس، تبلیغ در مناطق مشترک نیز از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که با توجه به اهمیت

---

* دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم.

۱. فصلت: ۳۳.

۲. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷.
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2781

موضوع، برخی از بایسته‌های تبلیغ در آن مناطق به اختصار ذکر می‌شود.[1]

۱. ترویج آموزه‌های قرآنی و برگزاری جلسات مشترک قرآن

قرآن کریم، معجزه الهی و کتاب مقدس همه مسلمانان است و جایگاه و حرمت خاصی در میان همه مذاهب اسلامی دارد. دعوت به توحید و یکتاپرستی، دوری از شرک و نفاق، دعوت به اتحاد و انسجام امت اسلامی و پرهیز از تفرقه، بخشی از آموزه‌های قرآن کریم است که باید سرلوحه زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان قرار گیرد.

با توجه به جایگاه ویژه قرآن در جوامع اسلامی و مسلمانان، ضرورت دارد مبلغان مناطق مشترک در تبلیغ خود، قرآن را محور تبلیغ قرار دهند و عنایت ویژه‌ای به آن داشته باشند. تلاوت زیبای قرآن و حفظ آیات نورانی آن توسط مبلغان و شیعیان، موجب نورانیت قلب و روح می‌شود و به آسانی برخی از شبهات معاندان را نسبت به شیعه همچون تحریف قرآن و عدم اعتقاد شیعیان به آن و نیز شبهه عدم امکان حفظ قرآن توسط شیعیان از بین می‌رود. برگزاری جلسات قرائت قرآن به‌ویژه در ایام ماه رمضان که بهار قرآن است، با حضور قاریان شیعه و اهل‌سنت و تلاوت آیات نورانی آن توسط روحانیون تشیع و تسنن، جلوه خاصی از وحدت و همگرایی و تمسک به قرآن را به نمایش می‌گذارد. همچنین اهدای قرآن با چاپ جمهوری اسلامی ایران به مساجد و افراد مؤثر و شاخص نیز اثر مثبتی خواهد داشت؛ زیرا بیشتر قرآن‌های موجود در مناطق مشترک، با رسم‌الخط‌های خاص در کشورهای پاکستان، افغانستان و عربستان است. ترویج رسم‌الخط رسمی جمهوری اسلامی ایران در مناطق، ضرورت دارد. تأسیس و حمایت از مؤسسات قرآنی نیز می‌تواند اثربخشی بسیاری داشته باشد.

۲. تبیین صحیح مبانی مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام

از ابتدای شکل‌گیری مذهب تشیع و مکتب نورانی اهل‌بیت علیهم‌السلام تا کنون، عناد و دشمنی فراوانی نسبت به آن شکل گرفته و به شدت مورد بغض و کینه معاندان و

---

۱. در قسمت اول این مقاله (چاپ شده در شماره ششم نشریه ره‌توشه، ویژه مناطق مشترک، تابستان ۱۴۰۰) مواردی از بایسته‌های تبلیغ در مناطق مشترک بیان شد. در این قسمت، بخش دوم آن ذکر می‌شود.

مخالفان واقع شده است. آنان همواره تلاش کرده‌اند به هر طریقی، مبانی این مذهب را مخدوش و پیروان آن را از بین ببرند و مانع گسترش آن شوند. جنایاتی که علیه ائمه علیهم‌السلام به‌ویژه حادثه دردناک و ناگوار کربلا به‌وجود آمد، بر اساس همین بغض‌ها و دشمنی‌ها بود. طرح تهمت‌ها و شبهات متعدد توسط معاندین بر این اساس بود که اجازه ندهند حقانیت تشیع به حق‌طلبان برسد. در عصر حاضر نیز معاندین و افراطیون به‌ویژه سلفی‌ها و وهابیت می‌کوشند از راه‌های مختلف و با ابزار و رسانه‌های متعدد و مخصوصاً ظرفیت فضای مجازی و ماهواره‌ای، عقاید شیعه را مورد هجمه قرار دهند و با طرح مسائل غیرعلمی و اتهامات واهی، چهره نورانی مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام را خدشه‌دار کنند. این شبهات در مناطق قومی و تلفیقی به مراتب بیشتر است و افزون بر مخدوش کردن ذهن و فکر اهل‌سنت منطقه نسبت به اعتقادات شیعیان، ممکن است بر تعامل آنان با برادران شیعه خود اثر منفی بگذارد و برخی از شیعیان بومی را نیز که از نظر اعتقادی قوی نیستند، دچار تردید در اعتقاد و مناسک دینی کند. از این رو مبلغین باید آموزه‌های دینی و مذهبی تشیع را به درستی تبیین کنند و با معرفی صحیح اعتقادات و باورهای شیعه، ایمان مردم را تقویت نمایند و کلام ائمه اهل‌بیت علیهم‌السلام را به مخاطبان برسانند تا اثرگذار باشند؛ چنانکه امام رضا علیه‌السلام فرموده است: «**فَإِنَّ اَلنَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلاَمِنَا لاَتَّبَعُونَا**؛[1] اگر مردم زیبایی سخن ما را می‌دانستند، از ما تبعیت می‌کردند».

همچنین مبلغین باید با آگاهی از جدیدترین شبهات و سؤالات مطرح شده در مناطق مشترک به‌ویژه شبهات شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی، به آن پاسخ دهند تا وجدان‌های بیدار و انسان‌های با فطرت، حقایق را بپذیرند و کوردلان و شبهه‌افکنان مغرض نیز رسوا شوند.

۲. آشنایی با آداب و رسوم محلی و فرهنگ قومی و احترام به آن

مردم ایران به‌ویژه در مناطق مشترک، دارای آداب و رسوم محلی و فرهنگ قومی و قبیله‌ای خاص خود هستند و به آن فرهنگ و رسوم نیز علاقه دارند و احترام می‌گذارند. یکی از مهارت‌های تبلیغ در مناطق قومی و تلفیقی، آشنایی مبلغین با این فرهنگ و رسوم است. قرآن کریم با تعبیری جامع و زیبا در توصیف پیامبران فرموده

۱. محمد بن علی صدوق، *عیون اخبار الرضا* علیه‌السلام، ج ۱، ص ۳۰۷.

است: «**وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ**؛[1] پیامبران با ادبیات گفتاری و رفتاری مردم سخن می‌گفتند». مبلغینی که به آداب و رسوم مردم مناطق آشنا هستند و به فرهنگ مردم احترام می‌گذارند، در تبلیغ خود نیز موفق‌تر هستند. آشنایی برخی مبلغین با زبان و لهجه مردم و سخن گفتن آنان با همان زبان و لهجه و یا پوشیدن لباس بومیان مناطق، موجب ایجاد نوعی انس، الفت، همدلی و حس آرامش در میان مردم منطقه می‌شود تا جایی که فرد مبلغ را از خود می‌دانند. این احساس آرامش و خودی بودن، احتمال موفقیت در تبلیغ را بیشتر می‌کند و آثار مثبتی بر جای می‌گذارد.

۳. تلاش جهت تقویت وحدت و تعامل با پیروان مذاهب

گسترش زندگی اجتماعی به‌ویژه در عصر حاضر، ضرورتی انکارناپذیر است. ملت‌های مسلمان و امت اسلامی، به این تعامل و ارتباط با یکدیگر نیاز دارند تا افزون بر رفع نیازهای فردی و اجتماعی و برآورده کردن حاجات زندگی روزمره، به حفظ اتحاد و انسجام امت اسلامی نیز کمک کنند و در برابر اجانب و بیگانگان، همانند سدی محکم و خلل‌ناپذیر، منسجم و مستحکم باشند.

آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام همواره بر تعامل و ارتباط پیروان مذاهب با یکدیگر تأکید کرده‌اند. امامان معصوم علیهم‌السلام همیشه اصحاب و یاران خود را به شرکت در نمازهای جماعت، عیادت بیماران و حضور در تشییع اموات پیروان مذاهب اسلامی سفارش نموده‌اند؛ چنانکه امام صادق علیه‌السلام در بیان استراتژی و نحوه تعامل شیعیان در جامعه به‌ویژه در ارتباط با اهل‌سنت به یاران خود فرموده است:

صِلُوا عَشَائِرَكُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ أَدُّوا حُقُوقَهُمْ فَإِنّ الرّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرِعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ أَدّى الْأَمَانَةَ وَ حَسُنَ خُلُقُهُ مَعَ النّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسُرُّنِي ذَلِكَ وَ يَدْخُلُ عَلَيّ مِنْهُ السُّرُورُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ وَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيّ بَلَاؤُهُ وَ عَارُهُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ؛[2] با اقوام خود پیوند داشته باشید و به جنازه مرده‌های‌شان حاضر شوید و بیماران‌شان را عیادت کنید و حقوق‌شان را بپردازید؛ زیرا هر کس از شما که در دینش پارسا و راستگو باشد و امانت را به صاحبش برگرداند و اخلاقش با مردم خوب باشد، گویند این جعفری است و این، مایه سرور

---

۱. ابراهیم: ۴.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۸، ص ۳۸۹.

و شادمانی من است و اگر بر خلاف این برنامه رفتار کند، نکوهش و عار آن به من می‌رسد که با مسخره و استهزا می‌گویند ادب جعفری بهتر از این نیست.

تعامل و مراوده پیروان مذاهب با یکدیگر نقش تأثیرگذاری در تقویت مشترکات مذاهب اسلامی، تحکیم، تعالی و رشد جامعه اسلامی دارد. در این تعامل هم‌چنانکه می‌توان به مناسک و اعتقادات خاص دینی خود عمل نمود، می‌توان یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی را که تأکید بر وحدت، انسجام و تشویق بر زندگی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب در کنار یکدیگر با حفظ بر اعتقادات و انجام مناسک دینی بر مبنای مذهب خود است؛ به نمایش گذاشت. شایسته است مبلغین مناطق مشترک، مردم را به تداوم زندگی مسالمت‌آمیز ترغیب و تشویق کنند و تفرقه و جدایی برحذر دارند.

خوش‌اخلاقی و برخورد کریمانه

برخورد مناسب و جذاب همراه با گفتار نیکو، از دستورات دینی است. قرآن کریم رمز موفقیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جذب مردم به دین را اخلاق نیکو دانسته و فرموده است: «**فَبِما رَحمَه مِنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُم وَلَو كُنتَ فَظًّا غَليظَ القَلبِ لَانفَضّوا مِن حَولِكَ**؛[1] به برکت رحمت الهی، در برابر آنان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند». همچنین به آن همگان دستور داده است که با مردم به زبان خوش سخن بگویند: «**قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا**؛[2] با مردم به زبان خوش سخن بگویید». سفارش اهل‌بیت علیهم السلام به برقراری روابط اخلاقی و عاطفی با مردم و بیان شیوه‌های تحقق همزیستی اجتماعی در میان مسلمانان و حتی با پیروان مذاهب غیر اسلامی را می‌توان تلاشی سترگ در راستای وحدت اجتماعی و تقریب مذاهب اسلامی دانست. سفارش به رعایت اصول دینی و اخلاقی همچون مدارا، اخوت، معاشرت نیکو با مخالفان، حسن خلق، چشم‌پوشی از عیوب دیگران، خیرخواهی و اهتمام به امور مسلمانان و رفع حوایج آن‌ها، حمل عمل برادران دینی بر صحت، مشورت و استفاده از آرای دیگران و تأکید بر صلح، سلام، ملاقات، عیادت و دیگر مظاهر اخلاقی و عاطفی را باید از مصادیق بارز این مسئله در سیره و سنت آن بزرگواران

۱. آل‌عمران: ۱۵۹.
۲. بقره: ۸۳.

دانست؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «**إنَّکُم لَن تَسَعُوا النّاسَ بأموالِکُم، فالْقُوهُم بِطَلاقةِ الوَجهِ وحُسْنِ البِشرِ**؛[1] شما هرگز نمی‌توانید با دارایی خود همه مردم را بهره‌مند سازید، پس با آنان با گشاده‌رویی و خوشرویی تمام برخورد کنید». امام رضا علیه السلام نیز در بیانی شیوا از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خوش‌خلقی و گفتار نیک دستور داده و فرموده است: «**قَالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه و آله: رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ وَ اصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَ فَاجِرٍ**؛[2] پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس از ایمان به خداوند، مهربانی کردن با مردم و نیکی کردن به خوب و بد آن‌ها، بیانگر خردمندی و دوراندیشی است».

خوش‌خلقی، خوش‌برخوردی، اخلاق نیکو و رفتار و کردار کریمانه و مناسب در همه جا لازم و ضروری است، اما ضرورت آن در مناطق مشترک دو چندان است؛ زیرا مبلغان در جامعه، به عنوان جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام شناخته می‌شوند و لباس روحانیت به لباس پیامبر صلی الله علیه و آله شهرت دارد. از این رو مردم از مبلغین دینی در همه جا و نسبت به هر شخصی، انتظار برخورد اخلاقی و دینی مناسب دارند؛ به‌ویژه در مناطق مشترک که پیروان دیگر مذاهب مبلغین را با ظرافت و دقت تحت‌نظر دارند و نسبت به گفتار و کردار آنان حساس هستند. بر اساس تجربه‌های بسیاری، خوش‌اخلاقی و برخورد خوب و پرجاذبه مبلغان موجب تحول افراد و جذب آنان به مکتب نورانی اهل‌بیت علیهم السلام شده است.

۵. بیان دستاوردها و خدمات نظام جمهوری اسلامی در کشور و مناطق قومی

جمهوری اسلامی از ابتدای تأسیس تا کنون، خدمات شایسته‌ای در عرصه‌های مختلف به‌ویژه در عرصه فرهنگی و مذهبی نموده است که باید طبق آیه شریفه «**وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ**»،[3] این خدمات برای مردم بازگو شود؛ اگر چه کاستی‌ها و کمبودهایی نیز به علل متعدد به‌ویژه موانع خارجی و کم‌کاری‌ها وجود دارد که باید با تلاش مضاعف آن‌ها را جبران کرد و موانع و کاستی‌ها را برطرف نمود تا کارآمدی نظام در همه مناطق به‌ویژه مناطق تلفیقی محسوس و ملموس‌تر شود.

منظور از کارآمدی هر نظام، بررسی موفقیت‌ها در تحقق اهداف با توجه به امکانات

---

۱. حسین بن محمدتقی نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۸، ص ۴۵۳.
۲. محمد بن علی صدوق، *عیون أخبارالرضا* علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵.
۳. ضحی: ۱۱.

و موانع است؛ از این رو در بررسی کارآمدی باید به سه شاخصه «اهداف»، «امکانات» و «موانع» توجه کرد. بر این اساس زمانی می‌توان کارآمدی یک نظام را بررسی کرد که موانع داخلی همچون میراث منفی حکومت‌های قبلی، گروه‌های مخالف و سنگ‌انداز داخلی، افزایش تقاضای خدمت، موانع تولید و ... و موانع خارجی مانند تحریم‌های اقتصادی، تهدیدات سیاسی و نظامی و ... مورد توجه قرار گیرد.

با بررسی این اهداف و موانع تا تحقق مطلوب و ارائه الگوی جامعه دینی و اسلامی برخوردار از حداکثر مواهب مادی و معنوی، فاصله وجود دارد؛ هر چند که در طول این سال‌ها، گام‌های اساسی و زیربنایی برداشته شده است. رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی در سفر سال ۱۳۸۱ به استان سیستان و بلوچستان، خاطره‌ای را در جمع مردم زاهدان بیان فرمود که حاکی از توجه و اهمیت نظام جمهوری اسلامی به مناطق محروم است. ایشان فرمود:

> بعد از پیروزی انقلاب، اولین حکم مأموریتی که امام رضوان‌الله‌علیه صادر کردند، حکمی به این بنده حقیر برای سفر به استان سیستان و بلوچستان بود. من آمدم و مناطق گوناگون این استان را از نزدیک دیدم و انقلاب وظیفه خود را در قبال این استان حس کرد. از جنوبی‌ترین نقاط استان، از منطقه چابهار و نیک‌شهر و فنوج و اسپکه و غیره تا مناطق شرقی این استان، منطقه سراوان و جالق و سرباز؛ از مناطق شمالی این استان، منطقه زابل و دریاچه هامون تا غرب این استان، منطقه بزمان و دلگان و چاه‌هاشم و جازموریان و غیره خبرها گرفتم. با مردم این مناطق نشستم، داخل کپرها رفتم و با دردها و رنج‌های این‌ها که در دوران رژیم طاغوت بر روی هم انباشته و متراکم شده بود، آشنا شدم. انقلاب خود را در قبال سیستان و بلوچستان موظف دید و کار از روزهای اول شروع شد. جهاد سازندگی و اجتماعات و جمعیت‌های مردمی خودجوش در این مناطق مشغول کار شدند. جوان‌های امروز زاهدان و چابهار نمی‌دانند که گذشته این استان چگونه بود. اگر گذشته وحشتناک زندگی در این استان تصویر شود، معلوم می‌شود که نظام اسلامی در این منطقه چه خدمات گرانبهایی را انجام داده است، اما آن حقیقتی که از یاد نمی‌رود و امیدوارم یکایک مسئولان همیشه آن را به یاد داشته باشند، این است که این استان چندین برابر آنچه که به آن خدمت شده، نیازمند خدمت است.

محرومیت‌هایی که بر اثر تسلط طولانی پادشاهان جبار و بی‌فکر و بی‌کفایت بر مردم این استان تحمیل شده است، باید در طول مدت برطرف شود.[1]

محرومیت در مناطق مرزی و قومی، مختص به استان سیستان و بلوچستان نبود؛ بلکه همه استان‌های مرزی که اهل‌سنت در آن حضور دارند و حتی استان‌های مرکزی نیز این محرومیت را داشتند، اما نظام اسلامی با تمام محدودیت‌ها و موانعی که برای رشد اقتصادی و ایجاد رفاه و عمرانی در این مناطق داشت، وظیفه خود دانست و خدمات خود را به همه مناطق توسعه داد.

با نگاهی کلی به خدمات و اقدامات انجام شده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، می‌توان اهم اقدامات و خدمات را در قالب اقدامات سیاسی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی، حقوقی و قضایی، خدمات امنیتی، خدمات اقتصادی، رفاهی و عمرانی و ترویج و گسترش ارزش‌های اسلامی و توسعه مراکز دینی و ... برشمرد که لازم است مبلغین به تبیین آن بپردازند و به صورت مناسب همراه با آمار و ارقام و مقایسه با وضعیت سابق، بیان کنند و کاستی‌ها، کمبودها و نیازهای اساسی را نیز مطالبه‌گری نمایند.

ترویج تفکرات انقلاب و دفاع از مبانی نظام مقدس جمهوری اسلامی، تبیین شخصیت امام خمینی رحمه‌الله و مقام معظم رهبری دام‌ظله به عنوان رهبران جامعه اسلامی و پرچمداران دفاع از کیان امت اسلامی، حمایت از آرمان‌های ملت‌های آزاده و در خط مقدم مبارزه با استکبار و رژیم صهیونیستی، قدرشناسی از مبارزان قبل از انقلاب، رزمندگان، ایثارگران و خانواده‌های معظم شهدا، برگزاری یادواره‌های شهدای شیعه و اهل‌سنت به‌ویژه شهدای روحانی، از نکاتی است که مبلغین باید مدنظر قرار دهند.

۶. برنامه‌ریزی منسجم تبلیغی و همکاری با نهادهای تبلیغی

یکی از نقاط ضعف در تبلیغ، نداشتن برنامه منسجم و مناسب بر اساس داده‌ها و نیازهای حقیقی از هر منطقه است که منجر به عدم شناخت مخاطب، نیازها، آداب و رسوم می‌شود؛ در حالی که اگر با برنامه تبلیغی هدفمند همراه با شناخت دقیق بر

---

۱. بیانات در جمع مردم زاهدان، ۱۳۸۱/۱۲/۰۲.
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3166

اساس مشاهدات میدانی و تحلیل آمارها و داده‌ها اقدام شود، نتیجه تبلیغ مناسب و مؤثر خواهد بود. داشتن اطلس فرهنگی جامع و کامل و تجمیع اطلاعات مناطق در همه مکان‌ها به‌ویژه در مناطق مشترک ضرورت دارد و باید نهادهای تبلیغی و متولیان امر تبلیغ با همکاری مبلغین، اطلس فرهنگی را تهیه کنند.

حضور تبلیغی مستمر در یک منطقه و عدم جابه‌جایی منطقه تبلیغی در صورت امکان و نبود موانع، ارتباط وسیع با همه گروه‌ها به‌خصوص نخبگان و فرهنگیان و گروه‌های مؤثر، شناخت نیازهای تبلیغی و نقاط قوت و ضعف فرهنگی، ارائه گزارش دقیق از مسائل فرهنگی و اجتماعی به نهادهای اعزام‌کننده و همکاری با نهادهای تبلیغی برای تکمیل اطلس فرهنگی، کمک شایانی در اثرگذاری تبلیغ و رفع نقاط ضعف خواهد نمود.

ارتباط با مخاطبان در طول سال به‌ویژه در مناسبت‌های ملی و مذهبی به صورت حضوری یا از طریق تماس تلفنی و ارسال پیامک در تداوم تبلیغ، مؤثر است. بهره‌مندی از فضای مجازی و شبکه‌های مجازی در گسترش تبلیغ با تشکیل گروه‌ها و کانال‌های تبلیغی نیز ضرورت دارد و ضرورت آن در عصر حاضر که بیشتر اطلاعات مردم از طریق فضای مجازی به‌دست می‌آید، بسیار بیشتر است؛ زیرا از طریق فضای مجازی به راحتی و با کمترین هزینه می‌توان مطالب دینی را به مخاطبان انتقال داد و به صورت مناسب، به شبهات و سؤالات پاسخ داد و بر استمرار و تداوم تبلیغ اثرگذار افزود.

فهرست منابع

کتب

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعه*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.

۲. صدوق، محمد بن علی، *عیون اخبارالرضا* علیه‌السلام، تصحیح مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.

۳. نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق.

سایت‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی و دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای دام‌ظله.